

از نظر من، معادله [برابری و توازن] مهم‌تر از سیاست است؛ زیرا سیاست برای اکنون است و معادله برای ابد.

www.mandegardaily.com

سال ششم شماره ۱۴۴۴ دوشنبه ۸ جوی/ دی ۱۳۹۳ ۷ ربیع الاول ۱۴۳۶ ۲۹ دسمبر ۲۰۱۴

سی و پنجمین سالروز تجاوز شوروی در افغانستان

نقش احمدشاه مسعود در مقابل تجاوز



چکیده نظریات تعدادی از تاریخ‌نگاران و محققین جهانی: جنرال بوریس گروموف فرمانده سپاه چهلیم ارتش سرخ می‌نویسد: در دوران حضورمان در افغانستان متوجه شدیم که از رهبران افغانی، احمد شاه مسعود بی‌تردید انسان نهایت با اراده و پرشوری است. در حل مسایل از هدف‌مندی و پیگیری خارق‌العاده کار می‌گیرد. هنگام رزم، اوضاع و توازن قوا را با فراست ارزیابی می‌کند و توانایی آن را دارد که به‌طور مستقل تصمیم‌گیری کند. در ساده پوش...
ادامه صفحه ۶

ناتو مأموریتش را در افغانستان نیمه‌تمام گذاشت



صفحه ۶

فرمانده ناتو: ما مردم افغانستان را از تاریکی بیرون آوردیم

مجلس سنا:

ناتو به کمک‌هایش ادامه بدهد

مقام‌های امنیتی بارها گفتند که عدم دسترسی نیروهای افغانستان به طیاره‌های جنگی و سلاح‌های سنگین، مبارزه با تروریسم را با چالش‌هایی مواجه می‌کند. سناتوران در جلسه عمومی روز یکشنبه، ۷ جدی ۱۳۹۳، از حمایت‌ها و قربانی‌های ناتو در سیزده سال اخیر نیز قدردانی کردند.

علی اکبر جمشیدی، یک تن از سناتوران گفت: «خواست مردم افغانستان این است که جامعه جهانی مطابق قرارداد امنیتی که با جانب افغانستان به امضا رسانده، در سال‌های آینده به کمک‌های مادی خود و کمک‌های تسلیحات و آموزشی ادامه دهند».

هرچند در متن موافقتنامه‌های امنیتی، ناتو و ایالات متحده آمریکا متعهد به تجهیز نیروهای افغان شده‌اند ولی نوعیت این تجهیزات مشخص نشده و معلوم

در آخرین روزهای مأموریت جنگی ناتو در افغانستان، سناتوران و نمایندگان پارلمان از کشورهای عضو این سازمان خواستند تا با تجهیز نیروهای امنیتی افغانستان، این نیروها را در مبارزه با تروریسم کمک کنند.

قرار است تا سه روز آینده که سال ۲۰۱۴ به پایان می‌رسد، مأموریت نظامی ناتو در افغانستان رسماً پایان یابد. پارلمان افغانستان از هم اکنون نگرانی مبارزه با تروریسم است. سناتوران و نمایندگان می‌گویند با وجود پایان مأموریت جنگی ناتو، جنگ با تروریسم به پایان نرسیده و نیروهای افغانستان به حمایت و تجهیزات نظامی نیاز دارند.

هرچند حمایت‌های نظامی نیروهای ناتو در سال ۲۰۱۴ به صورت محدود ادامه یافت و نیروهای افغان در بیشتر جبهات جنگ به تنهایی می‌جنگیدند، اما

اتحادیه اروپا با ابراز نگرانی از تلفات نیروهای امنیتی افغانستان:

جنگ با طالبان وظیفه ارتش باشد نه پولیس



نماینده اتحادیه اروپا در امور آموزش پولیس افغانستان با ابراز نگرانی از تلفات نیروهای امنیتی کشور در عملیات‌های رزمی گفت: عملیات‌های ضد شبه‌نظامیان باید بر عهده ارتش باشد نه پولیس.

به گزارش خبرگزاری اسوشیتدپرس، در شرایطی که نیروهای جنگی امریکایی و بین‌المللی می‌خواهند پس از ۱۳ سال جنگ با طالبان از افغانستان خارج شوند، طبق گزارش رییس کمیسیون اروپایی آموزش نیروهای پولیس، آمار تلفات پولیس کشور در عملیات‌های نظامی ویژه...
ادامه صفحه ۶



نیست که نیروهای افغانستان با چه وسایلی مجهز خواهند شد. نثار حارس سناتور دیگر گفت: «امیدوارم همان طوری که [ناتو] تعهد...»
ادامه صفحه ۶

سرتاج عزیز:

مدتهاست سیاست طالب خوب و بد را کنار گذاشته‌ایم



مشاور امنیت ملی و سیاست خارجی پاکستان گفت، کمپین مقابله با تروریسم این کشور بر ناپودی تمام گروه‌های شبه‌نظامی و بدون تمایز میان آنها صورت می‌گیرد و البته برای مقابله اساسی با آنها برقراری روابطی خوب میان اسلام‌آباد و کابل ضرورت دارد.

وی ادامه داد: اسلام‌آباد شواهد مربوط به حمله به این مدرسه را به افغانستان ارائه کرد، همکاری در این زمینه از اهمیت خاصی برای اسلام‌آباد و کابل برخوردار است. مشاور امنیت ملی و سیاست خارجی پاکستان به این مساله اشاره کرد که دولت اسلام‌آباد مدت‌هاست مساله سیاست خوب و بد بودن طالبان را کنار گذاشته و تمایزی میان آنها قایل نیست. پاکستان مدت‌هاست که تاکید دارد طالبان

برعکس رهبران طالبان افغانی در سایه آی‌آس در پشاور، کراچی و اسلام‌آباد به سر می‌برند.

در برگ‌ها



سره‌های شوریده را با ناخن نخارید! دردنامه‌یی سرگشاده به رییس دولت



فلسفه هنوز در دوران کودکی‌اش به‌سر می‌برد...



جهان نو و ضرورت بازسازی فقه سیاسی اسلام



دروازی‌ها در انتظار دروازه‌های باز

احمد بهار چوپان

سرهای شوریده را با ناخن نخرید!

دردنامه‌ی بدرگشاده به رییس دولت



بر سر شناسنامه‌های برقی و ذکر هویت قومی شهروندان در آن قرار دارید.

هرچه باشد، دولت نباید اجازه دهد کس یا کسانی از آدرس یک تبار شریف به میلیون‌ها انسان دیگر این سرزمین اهانت روا بدارد. وقتی صحبت از وحدت ملی می‌شود و شما خویش را بانی وحدت ملی می‌دانید؛ در فراهم شدن بستر و پیش‌زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری وحدت ملی نیز باید سعی کنید. آیا اطلاع دارید که کسی از آدرس رییس مرکز مطالعات علمی و استراتژیک دولت افغانستان و از روزنه تلویزیون به چند میلیون شهروند افغانستان که هم‌نظر و هم‌تبار او نیستند دشنام داد؟ آن‌هم نه برای بار نخست، که برای دومین بار. جالب این‌که: همین آقا که یک سال قبل صاحب وظیفه رسمی و دولتی بوده و به‌نام رهبر حزب وطن، به آدرس اقوام افغانستان، عقده‌گشایی و دشنام‌پراگنی می‌کرده است؛ هفته گذشته و یک سال پس از برخورد اهانت‌بار نخستین، به نام رییس کانون مطالعات علمی و استراتژیک افغانستان، به بحث دعوت شده بود! یعنی چه؟ پادشاه سخنان تخریش‌آور سال گذشته او که سبب ایجاد تنش و بحث‌های جنجال‌برانگیز میان اقوام شریف ساکن کشور شد را با گماشتن او به ریاست چنان مرکزی داده‌اند؟!... به کسی که او را به آن سمت گماشته است، آفرین باید گفت!

برای نگارنده دردآور است وقتی می‌بینم جایگاه دانش و دانشمند در این سرزمین و در میان مسوولین دست اول کشور تا چه حد خوار افتاده است. اگر چنین نیست، آیا سبب گماشتن چنان کسی که تفاوت میان «هندو» و «هندی» را به‌درستی نمی‌داند، در کرسی رهبری مرکز مطالعات علمی و استراتژیک کشور ما چه می‌تواند باشد؟

گماردن یک فرد نظامی که سابقه کار در دستگاه‌های اطلاعاتی دارد، در رأس آن کانون، نه تنها خلاف اصول بلکه در مغایرت با آموزه‌های اسلامی نیز هست. حدیثی داریم از پیامبر اکرم (ص) که می‌فرماید: «مداد العلماء أفضل من دماء الشهداء» یعنی مرکب قلم عالمان، فضیلتش بیشتر از خون شهیدان است. بزرگواری نمایش و در پرتو این حدیث شریف، در مورد رییس مرکز مطالعات علمی و استراتژیک، تجدید نظر فرمایید. این چه بساطی ست که نه حرمتی به خون شهید قایل است و نه ارزشی به علم و عالم؟

چنان سخنان سخیف و تنش‌آفرینی را اگر کسی حتا در کشورهایی که سلسله‌جنیان آزادی بیان و اندیشه‌اند، بیان کند یا او مدارا نمی‌کنند و جناب شما این را نیز می‌دانید. بیم آن می‌رود که تکرار چنان گفته‌های عقده‌آلود و بی‌تفاوتی مسوولین در قبال اصحاب تبعیض و تعصب، مردم و به‌ویژه جوانان را به فکر واکنش‌ها و چاره‌هایی بیندازد که عاقبت خوشی نخواهد داشت!

و «دل لبریز گفتن است، مگر زبان درمانده زمان را یارای سخن نیست». حال که سکان کشتی طوفان‌زده و شکسته سرنوشت این مردم در دستان شماست، آرزو می‌برم در سایه لطف الهی و تدبیر خردمندان به ساحل امن و رفاه رهنمایش باشید و از جمله به دو نکته مورد اشاره نگارنده توجه فرمایید!

چه‌گونه می‌توان از افسر و سرباز نیروهای امنیتی انتظار ایستاده‌گی در برابر طالب را داشت. زمانی که سرقوماندان اعلی قوای مسلح کشور و رییس دولت در تعریف دشمن و معرفی او به مردم صراحت لازم را ندارند؛ چه توقعی می‌توان از یک افسر و سرباز عادی داشت؟ آیا بر بنیاد کدام تعریف علمی و تیوریک فلسفه سیاسی می‌توان گروه طالبان را «مخالف سیاسی» لقب داد؟... تردید ندارم که شما پاسخ به این پرسش را بهتر از من می‌دانید.

فرمان جناب شما برای ایجاد گارنیزون امنیتی شهر کابل را اگر اقدام نخستین شما برای سامان‌بخشی به بحران امنیت ارزیابی کنیم، باز باید گفت که در نبود یک راهبرد روشن و تعریف روشن‌تر از دوست و دشمن، آن گارنیزون نیز چون سدی استوار در برابر طالبان نمی‌تواند بایستد. زیرا هر جنگ‌جوی صاحب معنویت و اخلاق تنها در برابر دشمن می‌جنگد، نه در برابر مخالف سیاسی.

هرچند اصلاح‌ناپذیری و خشونت‌باوری و انسان‌ستیزی طالبان، امری پوشیده نبود؛ ولی حادثه انفجار در مکتب استقلال، و کشتار دانش‌آموزان توسط طالبان در پاکستان، امیدها را درمورد امکان رسیدن به تفاهم با طالبان از راه گفت‌وگوهای سیاسی به یأس مبدل کرد.

بوی این درد که امسال به همسایه رسید / ز آتشی بود که در خرمن من پار گرفت!

جناب شما که برای ابراز همدردی و غم‌شریکی با مردم پاکستان پیشگام شدید، ای کاش در امر چاره‌سنجی برای حل مشکل امنیتی و مهار طالبان افغانی نیز راه و روش تازه و کارآمدی اختیار کنید که صلاح ملک و ملت در آن نهفته باشد.

بی‌تردید می‌دانید که نظریه عدالت، قلب هر نظریه سیاسی است و مردم نیز خواهان صلح عادلانه‌اند. اما قربانی کردن عدالت به بهانه صلح، جز کنار آمدن با استبداد و توجیه استبداد، کمترین مفهوم و دستاورد دیگری نخواهد داشت.

مسأله دوم، مسأله هویت و بحران هویت در این جغرافیا که افغانستان می‌خوانندش، است. این‌جا نیز سخنی از شخص شخیص شما را مد نظر قرار می‌دهم: باری جناب شما برای ابراز انزجار خویش از بیماری «تعصب» در حضور جمع فرموده بودید که از بس با افراد متعصب میانه خوبی ندارید، برادر تنی خویش را چهار سال آزارگر از در خانه خویش به درون راه نداده‌اید. به باور این قلم، بحران هویت حاکم در این سرزمین که پس از شکل‌گیری افغانستان معاصر سر برداشته است؛ همان‌گونه که تجربه و تاریخ معاصر گواهی می‌دهد، با روش از بالا به پایین و کاربرد زور حل‌شدنی نیست.

دولت به عنوان دستگاه بیروکراتیک خدمت‌رسان، وظیفه دارد تا در خدمت همه شهروندان باشد، بدون این‌که برخی را بر برخی دیگر ترجیح دهد. دولت وظیفه دارد بستر مناسب زیست باهمی مردمان این سرزمین را با توجه به گوناگونی تباری و فرهنگی و زبانی‌شان فراهم کند و شهروندان برابری را به رسمیت بشناسد. این‌ها را نیز شما که تجربه کار و زنده‌گی در جوامع پیشرفته و آسوده غرب را دارید، بهتر از من می‌دانید و تفاوت و توفیر میان توده‌های «اتباع» و «شهروندان» برابری نیز بر شما مبرهن است. نمی‌دانم تا کجا در جریان مضل ایجادشده

جناب آقای دکتر اشرف‌غنی آن‌چه اکنون می‌نگارم، بیشتر با توجه به مرتبه علمی شما نگاشته می‌شود؛ زیرا یکی از صفات و ویژه‌گی‌های صاحبان دانش، «سعه صدر» آن‌هاست.

نگارنده به عنوان یک دانشجوی علوم سیاسی، این دردنامه را بر محور دو مسأله بسیار بااهمیت که از یکسو ذهن همه‌گانی ما را به خود معطوف داشته، و از دیگرسو بر روند زنده‌گی روزمره ما بسیار اثرگذاراند، می‌نگارم و امید می‌برم به ملاحظه شما برسد.

آقای دکتر! امام محمد غزالی در کتاب ارزشمند «نصحیت‌الملوک» اشاره‌ی دارد به این نکته که او مردم حتا از حکام جابر و جائز و مستبد انتظار دارند که به وظایف‌شان در قبال مردم توجه جدی کنند. امام غزالی به آن‌ها با تأکید می‌گفت که نخست به مسأله مهم برقراری امنیت همت بگمارند تا بقیه کارها در اجتماع سامان یابند.

اینک شما به عنوان شخصیتی برخوردار از جایگاه اکادمیک، بی‌تردید از رابطه سراسر امنیت و شگوفایی اقتصادی، اجتماعی و علمی جوامع به‌خوبی آگاهید. اجازه دهید صادقانه عرض کنم که

من و مردم صاحب صبر و بصیرت افغانستان، از شما انتظار معجزه نداریم؛ بلکه خواهیم ما این است که در تعیین اولویت‌ها و فوریت‌ها بر بنیاد حقایق و عینیت‌های هرچند ناخوشایند عمل کنید.

آقای دکتر، در سال ۱۳۹۱ هجری خورشیدی، در فاصله زمانی شش‌ماه دو برادر جوان شهید شدند. نخست احمد بهزاد پاییز، و سپس سیلاب در حادثه حمله طالبان به مرکز نیروهای امریکایی مستقر در میدان وردک. وقتی چنین است، بیاید در یک تصویر بزرگ‌تر و به مقیاس افغانستان، شهیدان روزانه حادثات بی‌پایان و رو به افزایش انتحاری را شمارش کنیم! می‌توان گفت همه در این سرزمین، زیان‌مند آن مهاجمان ضد انسانیت‌اند. شهروندان بی‌گناه و بی‌دفاعی که به‌سختی از ضرب کبیل طالب جان به در بردند، اینک دسته دسته و جوقه جوقه قربانی حملات انتحاری آن گروه می‌شوند. شما به عنوان کسی که مسوولیت رهبری دولت را به عهده دارید، نزد خدا و مردم مسوولید. بگذارید بی‌پرده به شما بگویم که هر بار که آقای کرزی، طالبان را برادر ناراضی خطاب می‌کرد، تعبیر من از آن حرف و رویکرد این بود که کرزی، به خون پاک دو برادر من و صدها و هزاران جوان و پیر دیگر که به‌دست طالب کشته شدند، بی‌حرمتی می‌کند و خانواده‌های شهدا را نادیده می‌گیرد و به آن‌ها اهانت روا می‌دارد.

اینک که جناب شما به طالبان مرتبه سیاسی قایل شده و آن‌ها را «مخالفان سیاسی» خطاب می‌کنید، بدانید که سرهای شوریده بسیاری را با ناخن می‌خارید. به خاطر دارم که شما در جریان مبارزات انتخاباتی، باری در یکی از سخنرانی‌های خویش و خطاب به طرف مقابل فرموده بودید که: «مدیریت چیزی نیست که من نو یاد بگیرم...». بنابراین، از شما توقع می‌رود تا مسأله مدیریت بحران امنیتی را در حد خوانش قومی - تباری آن فرو نگاهید و آن را تابع خشوندی و ناراضی‌ای اطرافیان و یا هم آن‌هایی که از آدرس قوم و تبار مشخصی حرف می‌زنند، نسازید. شما می‌دانید که نیروهای امنیتی ما باید از «حقانیت» نبرد خویش در برابر دشمن مطمئن باشند، ورنه

سخن ماندگار

هرات؛

نیازمند اصلاحات عمیق و ساختاری

محمد اشرف‌غنی رییس‌جمهوری افغانستان در یک سفر از پیش اعلام نشده، روز شنبه به ولایت هرات در غرب کشور رفت. سفر آقای غنی به دنبال ناامنی‌ها و مشکلات حکومتی در این شهر صورت گرفت که در روزهای اخیر اعتراض‌های گسترده مردمی را باعث شده بود.

هرات هرچند در ده سال گذشته با نابسامانی‌های گسترده‌ی به‌ویژه در عرصه امنیتی روبه‌رو بود، ولی این مشکلات در هفته‌های اخیر به‌شدت رو به افزایش گذاشت. به دنبال قتل مرموز عزیزالله نجفی، روحانی سرشناس و عضو پیشین شورای ولایتی هرات، اعتراض‌های گسترده در این شهر به‌وجود آمد و باعث شد که شهروندان هرات خواهان توجه دولت مرکزی به وضعیت این شهر شوند. رییس‌جمهوری پس از رسیدن به هرات و گفت‌وگو با افسار مختلف، در یک تصمیم کم‌سابقه، دست‌کم سی تن از مقام‌های هرات را از وظایف‌شان سبک‌دوش کرد. در این میان، آقای غنی روسای معارف، گمرک، دادستانی و نفت و گاز را به دلیل غفلت‌کاری به دادگاه معرفی کرده است. در همین حال، فرماندهان پولیس پانزده ولسوالی را نیز برکنار کرده است.

در سیزده سال گذشته این کم‌سابقه‌ترین برخورد رییس‌جمهوری با یک ولایت بوده است. آقای غنی به شهروندان هرات وعده داده که اقدام‌های فوری را برای تأمین امنیت و بهبود وضعیت اقتصادی این شهر انجام خواهد داد. او هم‌چنین وعده سپرده که والی جدید هرات را در کم‌ترین زمان ممکن معرفی می‌کند.

در این‌که هرات در سیزده سال گذشته محل قدرت‌نمایی‌های برخی مقام‌ها و از جمله دولت مرکزی بوده، جای شک نیست. هرات به دلیل ظرفیت‌های اقتصادی خود همواره مورد توجه بوده است و به همین دلیل، نوعی ساختار مافیایی در آن شکل گرفته که نمی‌گذارد وضعیت تغییر کند. والی‌های زیادی به هرات با پیام تغییر آمدند، اما دیری نگذشت که یا خود به عامل فساد تبدیل شدند و یا در برابر مافیای سیاسی و اقتصادی زانو زدند.

هرات در ده سال گذشته شرایط مساعدتی نداشته است. از اختطاف‌های سازمان‌یافته گرفته تا فساد و ناامنی، شهروندان هرات را به ستوه آورده است. به گفته رییس اتاق‌های تجارت هرات، ۱۵۰ کارخانه‌دار و بازرگان، ظرف دو ماه گذشته سرمایه‌های خود را از هرات بیرون کرده‌اند. شهرک صنعتی هرات که زمانی از آن به عنوان قطب اقتصادی افغانستان نام برده می‌شد، حالا در حال رکود و ورشکستگی قرار دارد. زمانی در این شهرک نزدیک به چهارصد کارخانه تولیدی فعالیت می‌کرد که به شرکت‌هایی از سراسر افغانستان تعلق داشت، اما حالا گفته می‌شود که این رقم به چیزی زیر پنجاه کارخانه تقلیل یافته است.

هرات در ده سال اخیر، شهر زدوبند‌های سیاسی و اقتصادی بوده است؛ شهری که سیاست و اقتصاد در آن به گونه مافیایی عمل کرده است. ساختار اجتماعی هرات، فرصت چنین وضعیتی را فراهم کرده بود. هرات همواره تلاش کرده که دستی دور بر آتش داشته باشد و شاید به همین دلیل همواره مورد سوءاستفاده قدرت‌طلبان قرار گرفته است. قدرت‌های موجود در هرات نیز از این قاعده مستثنا نیستند. این افراد ضمن این‌که در میان خود خصومت و دشمنی دارند، از دیگران نیز برای تشدید دشمنی‌ها استفاده‌های ابزاری می‌کنند. یکی به نام دین، دیگری به نام ارزش‌های جهادی و سومی به نام روشن‌فکری از هرات باج می‌ستانند.

هرات روی خط سرخ بوده و این مورد بدون دست‌هایی در کابل میسر نمی‌شد. در هرات سه تن که به سه جناح مختلف تقسیم شده‌اند، قدرت اصلی را در اختیار دارند. خانواده‌ها و افراد نزدیک به این سه تن، شاه‌رگ‌های سیاسی و اقتصادی هرات را تصرف کرده‌اند. این وضعیت بدون تردید می‌تواند عامل ناامنی، اختشاش و نابسامانی‌های سیاسی و اجتماعی شود.

هرات قربانی مافیای کابل و خودش است. به‌صراحت باید گفت که آن‌چه که در روز شنبه در این شهر اتفاق افتاد، چیز غیرمنتظره‌ی نبود. روزی باید این عقده می‌ترکید و خود را برملا می‌کرد. آن‌چه که در هرات اتفاق افتاد و باعث برکناری حدود سی تن شد، عقده‌ی بود که طی سالیان در این شهر تراکم کرده بود. اما این اقدام رییس‌جمهوری چه‌قدر می‌تواند برای هرات و حتا دیگر شهرهای کشور موثر باشد؟

مشکل است که در حال حاضر نسبت به تصمیم رییس‌جمهوری قضاوت دقیق و عادلانه صورت گیرد؛ اما بدون شک حرکت آقای غنی بیشتر به یک نمایش شبیه بوده تا اصلاحات ساختاری و دوام‌دار در یک ولایت. فکر می‌شود که آقای غنی نگرانی‌هایی نسبت به وضعیت هرات داشت و به همین دلیل تصمیم گرفت به این شهر برود. اقدام آقای غنی شاید در نظر اول بسیار انقلابی و موثر تلقی شود، ولی باید اذعان کرد که مافیای موجود در هرات آن‌قدر سخت‌جان هست که بتواند از چنین آزمونی موفق بیرون شود. مافیای هرات تنها در یک حلقه و تعداد معینی از افراد خلاصه نمی‌شود. این مافیا از کابل آغاز می‌شود و تا بدنه ساختار اداری و حکومتی هرات گسترش می‌یابد. تا زمانی که نتوان ریشه‌های مافیای موجود در هرات را هدف قرار داد، با حرکت‌هایی از این دست نمی‌توان موفق به ایجاد تغییرات بنیادی در این شهر شد.

ادوارد لوکاس-اکنومیست

کاهش قیمت نفت

چگونه توازن قدرت جهانی را تغییر می دهد؟



گاز طبیعی است که اوپک قادر به کنترل آن نیست. همچنین اوپک دیگر آن انضباط و نفوذ گذشته خود برای تسلط بر بازار را نداشته و ما انگلیسی ها یکی از اصلی ترین برندگان این وضعیت بوده با بهره بردن از وضعیت کاهش قیمت سوخت خودروهای مان را بر کرده و صنایع مان را قدرتمند می کنیم. سران اوپک در نشست ماه گذشته خود در شهر وین با انتخاب سرنوشت ساز روبرو شدند. اوپک که ۴۰ درصد از تولید نفت جهان را در اختیار دارد باید انتخاب می کرد که با کاهش تولید نفت برای بازگرداندن قیمت نفت به قیمت سابق و رساندن آن به بشکه ای حدوداً ۱۰۰ دلار یعنی قیمتی که از اکثر اعضای اوپک برای توازن بودجه خود نیاز دارند اقدام کند یا اجازه دهد رویه فعلی ادامه یابد. ۱۲ کشور عضو اوپک شامل عربستان، ایران، عراق، کویت، ونزوئلا و نیجریه تصمیم گرفتند که هیچ کاری انجام ندهد و این ثابت کرد که قدرت این نهاد کاهش یافته است. متعاقب این نشست قیمت نفت هرچه بیشتر کاهش یافت. یکی از مشکلات اصلی اوپک این است که چند کشور عضو آن به دلایل مختلف با یکدیگر خصومت دارند.

آینده چه خواهد شد؟

خبر خوب این است که اگرچه کاهش قیمت نفت تولیدکنندگان نفت را تحت فشار قرار داده اما وضعیت برای مصرف کنندگان نفت متفاوت است. کاهش ۴۰ دلاری قیمت نفت سبب می شود که حدود ۱.۳ تریلیون دلار در هر سال از جیب تولیدکنندگان به جیب مصرف کنندگان راه پیدا کند. مقامات انگلیس معتقد هستند قیمت بنزین در این کشور ممکن است به زیر یک پوند در هر لیتر برسد؛ قیمتی که از ۲۰۰۹ تاکنون سابقه نداشته است. این سبب می شود که میلیون ها پوند در جیب خودروسواران پس انداز شود. البته آن ها نباید همچنان این پول را صرف خوشگذرانی کنند. تولید نفت در جهان از طرف دیگر متکی به چند کشور بی ثبات و شکننده است. عراق روزانه ۳.۴ میلیون بشکه و لیبی نیز یک میلیون بشکه دیگر نفت تولید می کنند. این حدود نصف مجموع نفت تولید شده از سوی آمریکا است اما هر دو کشور فاصله چندانی با پرتگاه سقوط ندارند. لیبی دیگر یک کشور کارآمد نیست و دستخوش درگیری خونین میان نیروهای پارلمانی و شبه نظامیان افراط گر شده است.

عراق نیز با شبه نظامیان افراط گر داعش درگیر است. تصویر کلی نشان می دهد که جهان در حال تغییر است. برخی از کشورها علی الخصوص روسیه که وابسته به منابع طبیعی خود است با یک وضعیت ناگوار روبه رو هستند؛ سوال این است که آیا آن ها سرنوشت خود را پذیرفته و یا اینکه قدرت طلای سیاه سبب به راه افتادن آشوب های خشونت آمیزی می شود که ما را وارد جنگ ساخته و جهان را تکان خواهد داد.

است. در حالی که اکنون این قیمت بسیار خوشبینانه است. با این حال اگرچه کرملین ضعیف شده است اما ما (انگلیسی ها) نباید خوش خیال باشیم زیرا هنوز این خطر وجود دارد که روسیه با انجام اقدامی نظامی توجه مردم تحت فشار خود را به یک ماجراجویی سیاست خارجی با هدف تحقیر ناتو در اروپا معطوف کند.

برخی از مقامات ما با در نظر گرفتن این احتمال احساس می کنند که اکنون زمان آن رسیده که به پوتین آسان بگیریم. آن ها استدلال می کنند که پوتین از برخورد با واقعیات درس سختی گرفته و ما نباید بیش از حد او را تحت فشار قرار دهیم و به جای آن باید به او توافقی در زمینه وضعیت اوکراین به منظور بازیابی وجهه، برداشتن تحریم ها و جلوگیری از سقوط هرچه بیشتر اقتصاد روسیه پیشنهاد دهیم. من با این استدلال مخالفم. پوتین خواهان توافق با غرب نیست. او می خواهد قوانین امنیت اروپا را بازنویسی کند. مقامات کرملین تنها هنگامی راضی خواهند بود که ما بپذیریم کشورهایی همچون اوکراین تسلیم کنترل روسیه شوند. این امتیازی است که ما نمی توانیم و نباید بدهیم. اگر ما اوکراین را واگذار کنیم در آن صورت این سوال پیش می آید که اگر پوتین تلاش کند ترنندهایش را درباره کشوری دیگر (شاید کشورهای حوزه بالتیک که هم پیمان ما در ناتو هستند) به کار بندد در آن صورت چه اتفاقی خواهد افتاد؟

سرخم کردن اوپک

به رغم نگرانی های ما درباره روسیه ما همچنین نباید از تغییر یک نیروی قدرتمند دیگر در عرصه سیاست جهان یعنی سازمان کشورهای صادرکننده نفت موسوم به اوپک غافل شویم. زمانی که اوپک ۴۰ سال پیش در جهان تشکیل شد باعث ترس و وحشت غربی های پرمصرف و اسراف کار شد. در چند دهه گذشته ما غربی ها به نفت فراوان و ارزان قیمتی که اغلب از سوی تولیدکنندگان خاورمیانه که دارای نفوذ جهانی کمی بودند تولید می شد عادت پیدا کردیم. با این حال اوپک این وضعیت را تغییر داد. این سازمان با محدود کردن تولید نفت مدت ها پیش سبب شد قیمت نفت ۴ برابر شده و از ۳ دلار به ۱۲ دلار برسد. اگرچه این قیمت تنها کسر کوچکی از قیمت نفت امروز است اما بحران افزایش قیمت نفت در سال ۱۹۷۴ سبب شد تا در انگلیس صف های طولانی مقابل پمپ بنزین ها تشکیل شده و جهان صنعتی شده غرب که آماده چنین بحرانی نبود دچار وحشت شود.

چهار دهه بعد عربستان تبدیل به یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان با ذخیره ارزی جمعا حدود ۹۰۰ میلیارد دلار شد. همچنین مصرف انرژی ما در انگلیس نیز در نتیجه افزایش بهره وری انرژی، کاهش چشمگیری پیدا کرده است. بسیاری از کشورهای دیگر اکنون نفت تولید می کنند اما نفت قابل جایگزینی با سوخت های دیگری نظیر

«کاهش شدید قیمت نفت که در عرض ۶ ماه گذشته تقریباً نصف شده، باعث بروز بحرانی اقتصادی و تاثیرگذاری از روسیه تا آمریکا و از اسکاتلند تا خاورمیانه شده است؛ بحرانی که به شکلی تعیین کننده توازن قدرت جهانی را تهدید می کند.»

«همان طور که روسیه در آستانه یک بحران اقتصادی به دلیل کاهش قیمت نفت قرار گرفته است، آمریکا و عربستان با استفاده از بازار بحران زده نفت تلاش می کنند تا به دشمنان شان ضربه بزنند. تبعات این بحران در نزدیکی مرزهای ما حس می شود و صنعت نفت دریای شمال در آستانه سقوط قرار گرفته است اما خبر خوب برای ما این است که پرکردن باک بنزین خودروهائمان در پمپ بنزین ها ارزان تر تمام می شود اما سوال این است که این بحران کاهش قیمت نفت چه تاثیری بر امنیت ملی انگلیس می گذارد؟

روسیه در حال ذوب شدن جهان عادت کرده که ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه درباره شکوه دوران مدرن روسیه سخنرانی های پرطمطراق ایراد کند. کنفرانس خبری ۳ ساعته او در پنجشنبه گذشته نیز از این مساله استثناء نبود.

پوتین با انتقاد شدید علیه تحریم های اعمال شده از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا در پاسخ به الحاق شبه جزیره کریمه شدیداً نسبت به تلاش ها برای کشیدن دندان و پنجه خرس روسیه از سوی کشورهای دیگر هشدار داد. او در جریان سفر اخیر خود به ترکیه مجبور شد لحنی متفاوت در پیش گرفته و در اظهاراتی ستیزه جویانه بگوید که طرح خط لوله گاز جریان جنوبی از سوی روسیه که به اروپا ختم می شود ادامه پیدا نخواهد کرد. این خط لوله ۲۵ میلیارد پوندی که از دریای سیاه و منطقه بالکان عبور می کند باعث می شد که کرملین گلوگاه تامین انرژی چند کشور اروپایی شامل ایتالیا، بلغارستان، صربستان، کرواسی، اسلوانی، مجارستان و اتریش را به دست بگیرد. این خط لوله همچنین به طرزی تحقیرآمیز نشان دهنده برتری روسیه بر اتحادیه اروپا بود که اخیراً حکم به غیرقانونی بودن طرح های این خط لوله داد (براساس قوانین بازار انرژی اروپا که شدیداً مورد حمایت انگلیس قرار دارد یک شرکت یکسان نمی تواند هم مالک خط لوله گاز و هم مالک گازی که درون آن جریان دارد باشد زیرا کنترل بیش از حدی به این شرکت در زمینه تولید و قیمت گذاری اعطا می کند.)

اما پوتین باید فروتنی به خرج داده و کل این پروژه را لغو کند. چرا؟ سقوط قیمت نفت در سراسر جهان که از ژوئن تاکنون به نصف کاهش پیدا کرده در حال خالی کردن خزانه کرملین است. روسیه به عنوان سومین تولیدکننده بزرگ نفت در جهان به شدت به قیمت بالای نفت وابسته بوده و بیش از نیمی از درآمدهای بودجه خود را با اتکا به نفت و گاز می بندد.

مقامات کرملین برای حفظ بروکراسی روسیه به شدت به صادرات نفت و گاز متکی هستند. اما چند روز پیش قیمت هر بشکه نفت با رسیدن به ۵۸.۵ دلار، پایین ترین قیمت خود در ۵ سال گذشته را تجربه کرد و اگرچه کمی قیمت افزایش یافته اما همچنان برای دولت ولادیمیر پوتین به ویژه با توجه به تحریم های اعمال شده از سوی غرب ناکافی به نظر می رسد.

ارزش واحد پول روبل روسیه نیز به یکباره کاهش یافته و سبب فرار سرمایه از این کشور شده و حتی مقامات این کشور را واداشته تا با رساندن نرخ بهره به ۱۷ درصد جلوی خارج شدن هرچه بیشتر ارز از کشورشان را بگیرند. شرایط برای روسیه بد است و هیچ کس در این کشور فراموش نکرده که پایین آمدن قیمت نفت با ضربه به اقتصاد شوروی سابق سبب سقوط اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ شد. امروز نیز این شرایط برای تلاش های پوتین به منظور احیای امپراطوری شوروی بسیار بد است. او طرح های بودجه خود برای ۳ سال آینده را بر پایه قیمت نفت حدوداً ۱۰۰ دلار در هر بشکه بسته

مشرف:

آصف علی زرداری بزرگترین ذی نفع ترور بی نظیر بوتو بوده است



رئیس جمهوری پیشین پاکستان، آصف علی زرداری را یکی از ذی نفع های کشته شدن بی نظیر بوتو خواند. به نوشته روزنامه نیشن، پرویز مشرف، رئیس جمهوری پیشین پاکستان که در حال حاضر رهبری «مسلم لیگ تمام پاکستان» را به عهده دارد، گفت: پیش از آنکه کسی را مقصر بدانیم بهتر است آصف علی زرداری، رئیس جمهوری سابق پاکستان کلاهش را قاضی کند تا به خاطر متهم کردن دیگران وجدانش ناراحت نشود. مشرف در ادامه آصف علی زرداری را به بزرگترین ذی نفع کشته شدن بی نظیر بوتو، همسرش متهم کرد. بی نظیر بوتو در ۲۷ دسمبر سال ۲۰۰۷ میلادی در حمله ای تروریستی در راولپندی ترور شد. مشرف افزود: حزب مردم پاکستان باید ابتدا به دنبال قاتلان مرتضی و بی نظیر بوتو بگردد تا از تمامی مسائل رفع ابهام کند.

عباس:

جهان در کنار ماست



محمود عباس اعلام کرد که پارلمان ها و کشورهای اروپایی مهم به کشور فلسطین رای مثبت دادند که این مساله گام ها را برای مراجعه به شورای امنیت مستحکم تر می کند تا قطعنامه ای که جدول زمانی را برای پایان دادن به اشغالگری ها و تشکیل کشور مستقل تعیین می کند، صادر شود.

به نوشته روزنامه مصری الیوم السایع، محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در سخنرانی خود در سومین کنفرانس جنبش فتح در نابلس گفت: علی رغم چالش ها و اعمال فشارها و توطئه ها، ما در جایگاه سیاسی قدرتمندی قرار داریم و جهان در کنار ما ایستاده است.

وی این مساله را یادآوری کرد که در سال ۲۰۱۲ در مجمع عمومی سازمان تنها ۹ کشور با به رسمیت شناختن کشور فلسطین در مرزهای سال ۱۹۶۷ به پایتختی قدس شرقی مخالفت کردند.

عباس تأکید کرد: مسئولان فلسطینی برای نشان دادن واکنش ها عمل نمی کنند بلکه تصمیم ها در زمانی مناسب و از آنجا که در خدمت مساله ملی فلسطین باشد، اتخاذ می شود به همین دلیل رویکردی جهت پیوستن به تعدادی از سازمان ها و توافقی بین المللی صورت گرفت و راه پیوستن به دیگر سازمان ها و توافقی های بین المللی باز است.

رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین عنوان داشت: ما منتظر می مانیم تا ببینیم تلاش های فلسطینی، عربی و بین المللی در شورای امنیت به چه خواهد انجامید تا پس از آن تصمیمات آتی اتخاذ می شود.

وی در خصوص مساله آشتی فتح با جنبش حماس مدعی شد: جنبش حماس آشتی ملی و تلاش برای پایان دادن به دودستگی ها را به شکست کشاند و به منافع شخصی و تنگ نظرانه خود اصرار ورزید.

وی همچنین این ادعا را مطرح کرد: این امر که حماس به دولت توافق ملی این امکان را نمی دهد تا به نقش خود در نوار غزه عمل کند مانعی بزرگ در مقابل بازسازی نوار غزه به شمار می آید. وی تأکید کرد: پایبندی به اصل وحدت میان دو بخش وطن و برگزاری انتخابات ریاست تشکیلات خودگردان و شورای قانونگذاری اموری تعیین کننده هستند.

از سوی دیگر، صائب عریقات، مذاکره کننده ارشد تشکیلات خودگردان فلسطین در روند صلح با رژیم صهیونیستی و عضو کمیته اجرایی در سازمان آزادی بخش فلسطین عنوان داشت: شورای امنیت امروز (دوشنبه) پیش نویس قطعنامه ای در خصوص تشکیل کشور فلسطین در مرزهای ۱۹۶۷ را به رای می گذارد.

وی افزود: ۸ اصلاحات مهم در متن این پیش نویس اعمال شده است و در صورتی که این قطعنامه در شورای امنیت شکست بخورد طرف فلسطینی هر چه سریعتر خواهان پیوستن به ۱۵ سازمان و معاهده بین المللی و عضویت در دادگاه کیفری بین المللی می شود.

۱۰ تمرین برای تمرکز



مترجم: نادیا زکالوند

۹- گفت و گو با آینه

دو علامت هم سطح با چشمان خود روی آینه بگذارید و تصور کنید که آن‌ها چشمان انسان دیگری است که به شما خیره شده است. صورت تان را مقابل آینه قرار دهید و مراقب باشید سر تان را تکان ندهید. به چهره تان خیره شده و تصور کنید آن زن یا مردی است که می‌توانید به او اعتماد کنید و دوستش داشته باشید. اجازه ندهید فکر دیگری به ذهن تان بیاید. در همان حال چند بار نفس عمیق بکشید و هوای تازه وارد شش‌های تان کنید. با این روش، آرام آرام احساس آرامش و قدرت وجودتان را می‌گیرید. سپس با فرد درون آینه صحبت کنید. این کار را روزانه سه تا پنج دقیقه انجام دهید. پس از مدتی متوجه می‌شوید هر زمان که لازم باشد، به راحتی می‌توانید روی موضوعی تمرکز داشته باشید.

۱۰- کنترل احساسات

با کنترل احساسات تان می‌توانید قدرت تمرکزتان را افزایش دهید. برای این‌که بتوانید روی احساسات تان تسلط داشته باشید، این تمرین را انجام دهید: با خود تصور کنید در هوای خنک قرار دارید، چه احساسی دارید؟ اکنون تصور کنید هوا سردتر شده است و بالاخره از سرما دارید یخ می‌زنید. اگر با تمام نیروی تان این‌گونه فکر کنید مطمئن باشید که از سرما به لرزش می‌افتید. حالا، برعکس این کار را انجام دهید. فکر کنید در محیطی گرم نشسته‌اید که هر لحظه بر گرمایش افزوده می‌شود تا آن‌جا که غیرقابل تحمل می‌شود. از این نوع تمرین در حالت‌های مختلف می‌توانید انجام دهید. مثلاً اگر گرسنه یا تشنه اید و بنا به دلایلی نمی‌توانید چیزی بخورید، می‌توانید تصور کنید که تازه یک وعده غذای گرم و نوشیدنی خورده‌اید یا اگر جایی در بدن تان درد می‌کند، می‌توانید با منحرف کردن ذهن تان به سمت چیز دیگری تاحد زیادی از حس درد بکاهید. این نوع تمرین را اگر هر روز انجام دهید، پس از مدت کوتاهی متوجه می‌شوید خیلی زود و راحت هر زمان که خواستید می‌توانید روی موضوعی متمرکز شده و بدون حواس‌پرتی کارتان را انجام دهید.

۱۱- کنترل امیال

میل و خواسته چیزی است که کنترل آن بسیار سخت بوده و نیروی زیادی می‌طلبد. فراموش نکنید زمانی که توانستید روی خواسته‌های تان تسلط یابید، لحظه‌ای است که می‌توانید به طرز اعجاب‌آوری روی مسایل مورد نظرتان تمرکز داشته باشید. در واقع با فکر نکردن به موضوعات دیگر، تمام وجودتان متمرکز کاری می‌شود که در حال انجام دادن آن هستید. فرض کنید خبر جالبی شنیده‌اید و دوست دارید در مورد آن به اولین کسی که می‌بینید بگویید. تمرین تان الان شروع می‌شود. یعنی این‌که باید تمام نیروی تان را به کار ببندید و آن را به کسی نگویید. یا مثلاً هنگام انجام دادن کاری هوس می‌کنید با کسی تلفونی صحبت کنید یا نوشیدنی بخورید. به جای گوش دادن به فرمان امیال تان، آن کارها را تا وقتی که کار اصلی تان انجام نشده است، انجام ندهید. با این روش می‌توانید بر امیال خود مسلط شوید؛ زیرا کنترل امیال و خواسته‌های بی‌حد و حساب، قدرت تمرکز را بالا می‌برد.

فلسفه هنوز در دوران کودکی‌اش

به سر می‌برد

نویسنده: دکتر مرتیمیر آدلر

برگردان: منیره محمدی

راستی معنی اصطلاح "فلسفه" چیست؟ به نظر نمی‌رسد که فلسفه مانند دیگر تحقیقات علمی و پژوهش‌گرانه، موضوع معینی داشته باشد. آیا فلسفه همه موضوع‌ها و زمینه‌های علمی را در بر می‌گیرد؟ یا فارغ از هر موضوع خاصی، فقط اندیشیدن را معنی می‌دهد؟ آیا فلسفه علمی است که به ما دانشی منسجم و دقیق ارائه می‌دهد یا فقط هنر اندیشه‌ورزی است؟ چرا ما نمی‌توانیم بر سر غایت کوشش بشر که هزاران سال است ادامه دارد، به توافق برسیم؟

اصولی فلسفه است و آیین‌های اخلاقی یک زنده‌گی نیک را در بر دارد که خود مورد تأکید همیشه‌گی فلسفه بوده است. ارسطو در آثار پُربار و جاودانه خویش، محتوای فلسفه را تدوین کرد. او فلسفه را به شاخه‌های متعددی تقسیم نمود و مهم‌ترین آن‌ها را "فلسفه اولی" یا متافیزیک نام گذاشت که همان اصول و علل غایی است. این تأکید متافیزیکی، نقش اصلی را در فلسفه بازی می‌کند. در دوران مدرن، تأکید اصلی بر روی ماهیت شناخت و ساختار ذهن شناساست. امانوئل کانت که پیشگام این فلسفه است، شناخت تجربی را که در



کمتری برخوردارند، سر و کار دارد. با توجه به این نظر، فلسفه مربوط به کل بشریت است. فلسفه حرفه‌بی نیست که مستلزم تخصص در یک علم اصولی پیچیده، ریاضیات سطح بالا و یا ماشین‌آلات مخصوص باشد. فیلسوف واقعی، یک پرنده نادر است و دلیلش این است که در این دنیای پریشان، انسان‌هایی که از ته دل و به‌طور مداوم به دنبال خردورزی و پویایی باشند، کمیاب‌اند و این در حالی‌ست که همه توانایی تفکر را دارند و تنها چیز مورد نیاز، همانا ذهن خدادادی انسان و اشتیاق به دانستن حقیقت محض است.

فلسفه مانند فیزیک، کیمیا و فیزیولوژی یک علم تجربی نیست؛ بلکه علم تفکر است که به مانند ریاضیات توسط تجزیه و تحلیل سیستماتیک رو به تکامل

فلسفه مانند فیزیک، کیمیا و

فیزیولوژی یک علم تجربی

نیست؛ بلکه علم تفکر است که

به مانند ریاضیات توسط تجزیه

و تحلیل سیستماتیک رو به تکامل

می‌رود. ریاضی‌دانان و فیلسوفان

به غیر از تجربیات عادی، به هیچ

واقعیّت مشاهده‌شده‌یی متوسل

نمی‌شوند. هر دو می‌توانند

آزمایش‌های خود را از پشت میز

و چوکی راحتی خود به انجام

برسانند. به عبارتی، هر دو

متفکران پشت میز نشین‌اند

می‌رود. ریاضی‌دانان و فیلسوفان به غیر از تجربیات عادی، به هیچ واقعیّت مشاهده شده‌یی متوسل نمی‌شوند. هر دو می‌توانند آزمایش‌های خود را از پشت میز و چوکی راحتی خود به انجام برسانند. به عبارتی، هر دو متفکران پشت میز نشین‌اند.

فلسفه یک هنر نیست، ولی از هنرهای آزاد به خصوص هنر استدلال استفاده می‌کند. فلسفه الهیات نیست، ولی با توسل به عقل سلیم، از همان جا شروع می‌کند که الهیات توضیحات خود را از مقالات مذهبی متوقف می‌کند. فلسفه، سعی در تصفیه و ژرفابخشی فهم بشر از دنیا که همانا در عقل سلیم نهفته است، دارد.

همان‌طور که فلسفه مربوط به دوران ماقبل علم است، به پس‌اعلم هم مربوط می‌شود. گرچه طبق واقعیّت‌های تاریخی، پرسش‌های فلسفی، خیلی قبل از تجربیات علمی شروع شده است. حتا زمانی که ما به حد نهایی خود در تجربیات علمی برسیم، فلسفه همچنان ادامه خواهد داشت. علوم تجربی علمی هستند جاافتاده و در بسیاری از موارد ثابت شده که این علوم فراتر از آنچه هستند نخواهند رفت. اما فلسفه هنوز در دوران کودکی‌اش به سر می‌برد و رشد همه‌جانبه به هزاران هزار سال نیاز دارد.

حوزه علوم طبیعی است را از شناخت منطقی که با آموزش فلسفه قابل حصول است، از هم مجزا ساخته است. امروز بحث‌های فراوانی در مورد نقش نسبی فلسفه و علوم وجود دارد. در حال حاضر، بشر برای تحصیل دانش‌های پایه‌یی، به علوم رجوع می‌کند و نه به فلسفه. یکی از قوی‌ترین شاخه‌های فلسفه مدرن، پازیتویسم (اثبات‌گرایی) است که ادعا می‌کند تنها علوم تجربی است که دانش واقعی محسوب می‌شوند و نقش فلسفه فقط منحصر به تفسیر و نقد این علوم است.

به نظر من، فلسفه برای ما دانش مجزایی فراهم می‌آورد که کیفیت خردورزی دارد. فلسفه، دانایی لازم را برای شناخت ماهیت بشر، جهان، خدا، زنده‌گی، و جامعه سعادت‌مند می‌سازد. فلسفه با مسایل اساسی چون ماهیت چیزها و هدف زنده‌گی سر و کار دارد. بنا بر این، فلسفه هم از نظر فکری و هم از نظر عملی، والاتر از علم است؛ علمی که بیشتر با مواردی بس سطحی که از اهمیت

مسأله‌یی که تعریف فلسفه را بس مشکل می‌سازد، وجود نظرات بسیار گوناگون در رابطه با موضوعات اصلی مورد توجه فلسفه و وظیفه آن است. از یک سو فلسفه به عنوان دانش پایه‌یی در مورد ماهیت چیزها تعریف می‌شود و از سوی دیگر، راهنمایی برای زنده‌گی سعادت‌مند بشری. در قرون وسطا، فلسفه پای‌دو الهیات بود، ولی امروزه امدادی است برای علوم طبیعی و اجتماعی.

عبارت "فلسفه" به معنای واقعی کلمه، عشق به خرد است. با این تعبیر، فلسفه یک اشتیاق و کنکاش‌گری است به گنجینه یافته‌ها و دانش‌های قابل انتقال بشری. سقراط می‌گوید فیلسوفان آنانی هستند که فقط ادعای عشق به خرد را دارند و نه ادعای برخورداری از آن.

سقراط با بیان این عبارت که "زنده‌گی آزمایش‌نشده به درد زیستن نمی‌خورد" و باید بحث را تا هرجا که بخواهد ما را با خود برد ادامه داد، راه را برای اهل فلسفه روشن تر می‌کند. این دیدگاه، پویایی و پرسش‌گری را برمی‌انگیزد که ضرورت

جهان نو و ضرورت بازسازی فقه سیاسی اسلام

نویسنده: محمد مختار الشنقیطی

برگرداننده به فارسی: مهران موحد

پیدایش و شکل‌گیری فقه سیاسی اسلام با دو ویژگی مهم همراه بود. یکی آن‌که فقه سیاسی اسلام، مربوط به جهان امپراتوری‌ها می‌شد و نه به جهان امروزی که در آن، دولت-ملت‌ها شکل گرفته‌اند. هیکل، فیلسوف آلمانی، گفته است که: «یگانه شهروند آزاد در گستره امپراتوری، همانا شخص امپراتور است.» از این رو، چیز شگفت‌آوری نیست اگر می‌بینیم که عمده بحث‌ها و افاضات فقیهان ما در گذشته بر محور این «شهروند آزاد» می‌چرخیده و این‌که باید این شهروند آزاد دارای چه صفاتی باشد - که مهم‌ترین آن‌ها مسلمان بودن است. فقیهان ما در گذشته چندان اعتنایی به توده‌های مردمی که پیامون «شهروند آزاد» حلقه می‌زده‌اند، نداشته‌اند و زیاد به آن‌ها نپرداخته‌اند.

دومین ویژگی فقه سیاسی اسلام در آغاز شکل‌گیری‌اش این بود که قرارداد اجتماعی‌یی که بر پایه آن، امپراتوری‌های کهن و از جمله امپراتوری‌های اسلامی گوناگون (امپراتوری‌های اموی و عباسی و عثمانی) شالوده‌گذاری شده بودند، قانون کشورگشایی و برادری در عقیده را اساس کار خود قرار داده بود و برابری میان شهروندان آزاد را به رسمیت نمی‌شناخت؛ اتفاقی که در دموکراسی‌های معاصر رخ داده است. معمولاً امپراتوری‌ها به گونه مستمر گسترش می‌یابند و مرزهای آن در جایی متوقف می‌شود که ارتش‌های آن‌ها بایستند یا شکست بخورند. در نظام امپراتوری‌ها تنها فاتحان حق دارند حاکمیت سیاسی را به دست بگیرند و ملت‌های شکست خورده و مغلوب، فقط دو گزینه پیش رو دارند: یا این‌که از بیخ و بن ریشه‌کن شوند و یا به برده‌گی کشانده شوند بدون این‌که در هیچ حالی امیدی به دگرگونی وضعیت خود داشته باشند و امکان داشته باشند روزی با فاتحان برابر شوند (کشورگشایی‌های رومی‌ها و مغول‌ها از چنین صیغه‌یی برخوردار بود). گزینه دوم این‌که در مقابل مالیاتی که از آن‌ها ستانده می‌شود، شهروندی درجه دوم را به دست بیاورند و اگر آیین قوم فاتح را گردن‌گزار شوند، می‌توانند با فاتحان برابر شوند (وضعیتی که بر فتوحات اسلامی حاکم بود).

شاید این‌گونه داوری درباره فتوحات اسلامی، اعتراض آن‌هایی را برانگیزد که به تاریخ اسلام، نگاهی خوش‌بینانه دارند و می‌خواهند به همه آن‌چه در تاریخ اسلام روی داده، افتخار کنند و به ظاهر رویدادهای تاریخی می‌چسبند و نمی‌خواهند به عمق قضایای تاریخی وارد شوند و از تاریخ عبرت بیاموزند. مسلماً مسلمانان، خوش‌برخوردترین فاتحان نسبت به ملت‌های شکست‌خورده در قرون وسطا بوده‌اند و این، چیزیست که شمار فراوانی از مورخان بانصاف غربی - همچون مورخ فرانسوی، گوستاولوبون در کتاب «تمدن مسلمانان» - به آن اعتراف کرده‌اند. با این‌همه، ما باید این قضاوت را در کانتکست زمانی آن مورد بررسی قرار دهیم. برخورد خوب نسبی مسلمانان در مقایسه با وحشی‌گری ملت‌های فاتح دیگر که ملت‌های مغلوب را به طور کامل به دست نابودی می‌سپاریدند و ریشه آن‌ها را برمی‌انداخته‌اند، واقعیتیست انکارناپذیر. ولی این واقعیت را نیز نباید نادیده گرفت که امپراتوری اسلامی - همانند هر امپراتوری دیگر در آن زمان - بر اساس قرارداد اجتماعی‌یی شالوده‌گذاری نشده بود که میان همه شهروندان مساوات برقرار کند. تسامح دینی و سیاسی‌یی که بر فضای جامعه مسلمانان در آن دوره حاکم بود - که قابل افتخار و ستایش در همان سیاق تاریخی آن‌است - شباهت فراوانی با آن‌چه در دوره معاصر به نام «شهروندی» یاد می‌شود، ندارد.

جغرافیا و قرارداد اجتماعی

این‌که ما بیابیم در دوران معاصر، دولت‌ها را بر پایه قانون غلبه و هم‌بسته‌گی‌های نژادی بنا کنیم (امپراتوری‌های رومی و مغولی) یا بر اساس قانون فتح و برادری دینی (فتوحات اسلامی)، نه از نظر اخلاقی مناسب است و نه از لحاظ عملی، امری ممکن؛ چرا که دولت‌ها در روزگار معاصر نه بر اساس اشتراک در دین پایه‌گذاری می‌شوند و نه بر مبنای وحدت نژادی، بلکه بر پایه جغرافیا و سرزمین شکل می‌گیرند. اگر بخواهیم به زبان فقیهان مسلمان حرف بزنیم، باید این‌طور بگوییم که قرارداد اجتماعی جدید، قرارداد

ملکیت زمین است و هر کدام از مالکان این «عقار»، حق دارد از این «عقار» بهره‌برد و حق شفعه و حسن همسایه‌گی دارد و بر او لازم است که از این عقار صیانت کند و به دفاع از آن بپردازد و آن را بازسازی کند. اختلاف در عقیده یا نژاد و قوم، تأثیری بر روی حقوق و تکالیف مشخص‌شده نمی‌گذارد. وجه مشترک میان دولت-ملت‌های نوین همین است که عامل جغرافیا بر عوامل دیگری که پایه قرار اجتماعی را در امپراتوری‌های کهن تشکیل می‌داد مثل اشتراک در عقیده یا نژاد، برتری و ارجحیت دارد. جالب توجه آن‌که قرار اجتماعی نوین که اساس آن، جغرافیا و سرزمین است، هماهنگی و توافق بیشتری با تجربه نخستین مسلمانان در دولت مدینه در روزگار پیامبر دارد. تجربه دولت مدینه پیشتر از دوره امپراتوری اسلامی بوده و از همین رو، شایسته‌تر است که اخلاق اسلامی و قوانین سیاسی اسلامی را از آن برگزیریم و اقتباس کنیم.

موقعی که پیامبر اسلام، نخستین دولت اسلامی را در مدینه پایه‌گذاری کرد، در میان شهروندان آن، هم مسلمانان حضور داشتند و هم یهودیان. این دولت برای یهودیان به طور کامل، آزادی دینی بخشید و آن‌ها را از همه حقوق شهروندی برخوردار ساخت، چرا که آن‌ها از اعضای مؤسس قرارداد اجتماعی‌یی بودند که بر اساس آن، دولت مدینه پایه‌گذاری شده بود. دولت مدینه از یهودیان، «جزیه» نستاند، در حالی که مسلمانان در دوره‌های بعدی از اتباع غیرمسلمان دولت اسلامی برخلاف روش پیامبر اسلام جزیه می‌ستاندند. اندکی دقت در قانون اساسی دولت مدینه نمایان‌کننده این حقیقت است که این قانون، تعدد هویت را به رسمیت شناخته و همه معانی چندگانگی «امت» را

این پیمان‌اند بشتابند. باید هر دو گروه نسبت به یکدیگر خیرخواهی داشته باشند و به یکدیگر نیکویی کنند و در حق یکدیگر مرتکب گناه و خیانت نشوند» (ماده ۳۷).

بی‌گمان، قانون‌گذاری‌یی با چنین سبک و سیاقی، قانون‌گذاری عادلانه‌ییست چرا که به هویت‌های چندگانه در پهنه دولتی یگانه اعتراف می‌ورزد در کنار این‌که به این نکته اعتراف می‌کند که برادری میان افراد بشر، در مقایسه به گرایش‌های اعتقادی آن‌ها بهتر می‌تواند آن‌ها را تمثیل کند و گرایش‌های اعتقادی، فراخ‌دامن‌تر از هویت‌های قومی و ملی است و این نکته عبرت‌آموزیست که با در نظر داشت آن می‌توانیم رابطه اسلام و هویت‌های ملی (عربی، ترکی، فارسی) را به شکل درست‌تری تعریف کنیم و نیز در صورتی که درک درستی از این مسئله داشته باشیم، قادر خواهیم بود رابطه شهروندان مسلمان و غیرمسلمان را در کشورهای اسلامی مورد بحث و واکاوی مجدد قرار دهیم.

فرد نامسلمان و بر عهده‌گیری ریاست دولت اسلامی
بسیاری از قوانین اساسی کشورهای اسلامی، مسلمان بودن را شرط رییس دولت شدن قرار داده است. این مسئله به خوبی اشکال مساوات سیاسی میان شهروندان را در کشورهای اسلامی منعکس می‌کند و مهم‌تر از آن، قرارداد اجتماعی‌یی را که بر آن دولت‌های معاصر در کشورهای اسلامی بنیادگذاری شده، دچار ابهام و پیچیده‌گی می‌سازد.

وقتی ریشه‌های این دیدگاه را در میراث اندیشه سیاسی اسلامی مورد مطالعه قرار دادیم، دریافتم که اساس آن، رأی‌ی فقهی‌ست که در عصر امپراتوری‌ها و بر پایه مصلحتی واقعی و نیازی ملموس شکل گرفته، عصری



که مردم، پیرو آیین زمام‌داران خود بودند. مسلماً این رأی فقهی، برگرفته از نصوص وحیانی اسلام نیست. آن آیه قرآنی که در بسا موارد، طرف‌داران نظریه وجود رییس شدن مسلمان به ناروا به آن استناد می‌کنند (ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا) (سوره نساء، آیه ۱۴۱) پیوندی به موضوع مورد بحث ما ندارد چرا که این آیه از سرنوشت و تقدیر تاریخی حرف می‌زند و در مقام تبیین حکمی شرعی نیست.

فقیهان معاصر مسلمان هرگاه در زمانه ماوردی و ابن تیمیه می‌زیستند، ایرادی نداشت اگر به این دیدگاه سیاسی تمسک می‌جستند و ریاست دولت اسلامی را منحصر به مسلمانان می‌ساختند چرا که در آن زمانه‌ها آیین امپراتور، خواه ناخواه آیین کشور و ملت را نیز مشخص می‌ساخت. این در حالی‌است که ما اکنون، در عصر امپراتوری‌ها زنده‌گی نمی‌کنیم و در زمانه‌یی یک‌سره متفاوت نفس می‌کشیم. در زمانه ما هیچ خطری متوجه اسلام نمی‌شود که رییس دولت اسلامی، فردی نامسلمان باشد چرا که در جهان امروز، رابطه دولت با دین را قانون اساسی مشخص می‌کند نه عقیده دینی رییس دولت یا سلیقه شخصی او. در روزگار کنونی، مردم، پیرو قانون‌های اساسی خود هستند نه پیرو سران دولت‌های خود. ممکن است دیدگاهی فقهی در یک عصر مصلحتی را برآورده کند ولی در عصر دیگر نظر به تغییر اوضاع و احوال نتواند آن مصلحت را

مورد تأیید قرار داده است. این قانون، به دو «امت» اعتراف کرده است. این قانون، هم امت اعتقادی را شالوده‌گذاری کرده بود که همه مسلمانان - چه در داخل مدینه و چه در خارج آن - را زیر چتر خود گرد می‌آورد و نیز «امت سیاسی» را که به طور مساویانه شامل مسلمانان و غیرمسلمانان می‌شد، بنیادگذاری کرده بود.

در همین راستا قانون مدینه تصریح کرده که «یهودیان بنی عوف با مسلمان یک امت را تشکیل می‌دهند، یهودیان، دین خود را دارند و مسلمانان دین خود را». (ماده ۲۵). سپس‌تر، این معاهده گام را از این فراتر گذاشته و این حکم را بر همه قبایل یهودی ساکن واحد تلقی کرده است. بدین‌گونه، قانون اساسی مدینه هر کدام از یهودیان و مسلمانان را از نظر اعتقادی امتی جداگانه شمرده اما هر دوی این دو گروه را در «امت سیاسی» گرد آورده که جغرافیا و حقوق سیاسی مشترک دارند.

از جمله این حقوق و وظایف این‌است که «یهود همانند مسلمانان در جنگ‌ها دارایی خود را هزینه می‌کنند». (ماده ۲۴) و این‌که «هرکسی که به یثرب (مدینه) حمله آورد، باید یهودیان و مسلمانان یکدیگر را در امر دفاع از یثرب یاری رسانند» (ماده ۴۴) «باید هم یهودیان و مسلمانان، به یاری کسانی را که شامل

محقق گرداند. واقعیت امر آن است که در جهان امروز، عدالت و مصلحت در ساختن دولت‌های دموکراتیک آزادی که در سایه آن، مردم در امن و امان زنده‌گی کنند و با همه شهروندان - قطع نظر از اعتقاد و نژادشان - به طور مساویانه برخورد صورت پذیرد، بیشتر محقق می‌شود.

تأسف‌آور این‌است که اندیشه سیاسی اسلامی معاصر تا هنوز نتوانسته با قاطعیت به این مسئله بپردازد، هرچند اقدام‌های محتاطانه اما ناکافی‌یی در این‌جا و آن‌جا صورت گرفته است. نمونه‌هایی از این اقدامات را اینک از نظر می‌گذرانید:

یک: شهید حسن البنا، بنیان‌گذار سازمان اخوان‌المسلمین، در «رسالة دستورالعمل‌ها» که در ضمن رساله‌های دیگرش به چاپ رسیده چنین نوشته: «حکومت تا زمانی اسلامی‌ست که اعضای آن مسلمان باشند و فرائض اسلام را به جا بیاورند و مجاهر به فسق و معصیت نباشند و حکومت، احکام و آموزه‌های اسلام را اجرا کند. البته اشکالی ندارد که از غیر مسلمانان در هنگام ضرورت در غیر مناصبی که مربوط به ولایت عامه می‌شود، کمک گرفته شود.»

حسن البنا از این نکته غفلت ورزیده که شهروند غیرمسلمان، آدمی بیگانه و خارجی نیست که فقط «در هنگام ضرورت» از او یاری جسته شود بلکه یکی از اعضای مؤسس در «قرارداد اجتماعی»‌یی است که بر مبنای آن، حکومت‌های ملی معاصر پایه‌گذاری می‌شود و یکی از شرکای اصلی در ساختن چنین حکومتی‌ست. حکومت‌های معاصر شبیه حکومت‌های سابق نیست که شهروندان به دو گروه پیروز و غالب و شکست خورده و مغلوب تقسیم‌بندی شوند.

دو: علامه یوسف قرضاوی در کتابی که به عنوان «غیر مسلمانان در جامعه اسلامی» تألیف کرده چنین نوشته است: «اهل ذمه حق دارند همچون مسلمانان، عهده‌دار مسؤولیت‌هایی شوند جز در مواردی که صیغه دینی دارد مثل امامت و ریاست دولت و فرماندهی لشکر و قضاوت در میان مسلمانان و سرپرستی مسایل مربوط به جمع‌آوری و توزیع عشر و زکات و مانند این‌ها.» شیخ قرضاوی در کتاب «دین و سیاست» این نکته را اضافه کرده که: «جز این منصب مهم و حساس (ریاست دولت) فرصت برای به دست آوردن منصب‌های حکومتی برای غیر مسلمانان در جامعه اسلامی مهیاست به شرط این‌که شایسته‌گی به دست آوردن این‌گونه منصب‌ها را داشته باشند. اقلیت‌های دینی می‌توانند عهده‌دار وزارت‌خانه‌ها شوند همان‌گونه که امام ابوالحسن ماوردی و ابویعلی الفراء در «الاحکام السلطانیة» نوشته‌اند که اهل ذمه می‌توانند وزارت تنفیذ را به دست بگیرند. در این میان، برخی از وزارت‌خانه‌ها هستند که حساس هستند و در گزینش افراد برای این وزارت‌خانه‌ها ملاحظات معینی در نظر گرفته می‌شود همانند وزارت‌های دفاع و داخله (وزارت کشور).»

این رویکرد شیخ قرضاوی - که مجتهدی تجدیدگراست - ناشی از اتکای بیش از حد وی به فقه سنتی‌ست بدون این‌که مسئله را ریشه‌یابی کند. ملاحظه می‌شود که او در این‌جا مفهوم وظایف دینی را بدون هیچ دلیلی خیلی گسترده ساخته است. ما امروزه نیاز خیلی مبرم داریم به این‌که خود را از اسارت فقه سیاسی سنتی رهایی بخشیم و فضای تاریخی‌یی را که در سایه آن، فقه سیاسی سنتی شکل گرفته، به درستی بشناسیم و فقه سیاسی نوینی را شالوده‌گذاری کنیم که هم مقاصد کلی اسلام را در نظر بگیرد و هم تحولات و نیازمندی‌های دوره معاصر را.

سه: شیخ راشد غنوشی در کتاب «آزادی‌های عمومی در دولت اسلامی» نوشته است: «همه فقیهان بر این نکته هم‌داستان‌اند که سیادت علیا از آن شریعت است و نیز ولایت غیرمسلمان بر مسلمان روا نیست مخصوصاً در کشوری که اکثریت مردم آن مسلمان باشند.» در جای دیگری از همین کتاب می‌نویسد: «آنانی که به اسلام باورمند نیستند، راه و چاره‌یی ندارند جز این‌که مسلمان شوند، آن‌گاه می‌توانند از حقوق عمومی شهروندی برخوردار شوند از جمله این‌که صلاحیت رییس دولت اسلامی یا رییس مجلس شورا یا فرمانده ارتش یا قاضی‌القضات شدن را پیدا می‌کنند.»

اما اجماع فقیهان گذشته در مورد عهده‌دار شدن ریاست دولت اسلامی، ادعای درستی نیست. اجماع آن‌ها در باره مشروط ساختن ریاست دولت اسلامی به مسلمان بودن، برخاسته...

ناتو مأموریتش را در افغانستان نیمه تمام گذاشت

روابط خود با این کشور می‌گشاییم.» وی همچنین اعلام کرد: «به مدد، تلاش‌های قابل توجه نیروهای ما، ما به هدفی که تعیین کرده بودیم دست یافتیم. ما این کشور را با محروم کردن تروریست‌های بین‌المللی از یک پناهگاه، امن‌تر کردیم.» وی در پایان گفت: «ما با تشکیل نیروهای مستحکم امنیتی که پیشتر در افغانستان وجود نداشت، این کشور را قدرتمندتر کردیم.»

اول جنوری سال ۲۰۱۵ میلادی مأموریت نظامی نیروهای بین‌المللی کمک به برقراری صلح و امنیت در افغانستان تحت رهبری امریکا (ایساف) پایان می‌یابد و مأموریت «آموزشی و حمایتی» ناتو جایگزین آن می‌شود. ایساف از سال ۲۰۰۱ میلادی که مأموریت خود را در افغانستان آغاز کرده، ۳۴۸۵ تن از نیروهای نظامی خود را از دست داده است. حدود ۱۲ هزار و ۵۰۰ نیروی خارجی که پس از پایان سال جاری میلادی در افغانستان می‌مانند به طور مستقیم در مبارزات شرکت نخواهند کرد اما به ارتش و پولیس افغانستان در مبارزاتشان علیه طالبان کمک خواهند کرد.

پس از ۱۳ سال جنگ، ناتو روز یکشنبه طی مراسمی در کابل رسماً به عملیات نظامی‌اش در افغانستان پایان داد. این مراسم به خاطر خطر حملات طالبان در کابل به صورت محرمانه برنامه‌ریزی شد و با حضور تعدادی از مقام‌های افغانستان و ناتو برگزار شد. جنرال جان کمپبل، فرمانده امریکایی نیروهای بین‌المللی در افغانستان با تقدیر از دستاوردهای ۱۳ ساله جنگ با طالبان گفت: ما با یکدیگر مردم افغانستان را از تاریکی‌ها و ناامیدی بیرون آوردیم و به آنها امید به آینده دادیم. ما افغانستان را قوی‌تر و کشورمان را امن‌تر کردیم. امیدوارم در این غرور شریک باشیم و تاثیر مثبت این پیروزی را شاهد باشیم. راه پیش روی ما پرچالش است اما پیروز خواهیم شد. فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان (ایساف) یکشنبه آمار مثبتی را از اقدامات نیروهای جنگی خارجی در زمانی که این نیروها پس از ۱۳ سال مناقشه از این کشور خارج می‌شوند، ارائه کرد. یانس استولتبرگ دبیر کل ناتو در بیانیه‌ی اعلام کرد: «در این مأموریت پایان سال، ما مأموریت رزمی خود را در افغانستان خاتمه می‌دهیم و فصل جدیدی را در

ناتو به کمک‌هایش...

داشند در برابر نیروهای امنیتی افغانستان، این‌ها را باید تجهیز کنند و نیروهای امنیتی افغانستان را باید برای مقابله با مخالفان دولت آماده بسازند.» ایالات متحده امریکا و ناتو موافقتنامه‌هایی را با دولت افغانستان امضا کرده‌اند که براساس آن، مأموریت جنگی ناتو تا آخر سال ۲۰۱۴ به پایان می‌رسد و پس از آن، ناتو تنها در بخش آموزش، مشوره دهی و حمایت مالی از نیروهای افغانستان سهم می‌گیرند.

۲۰۱۵ سال دشوار افغانستان
نیروهای امنیتی افغانستان در سال ۲۰۱۴ جنگ‌های

جنگ با طالبان وظیفه ارتش...

رو به افزایش است. جنگ افغانستان با خروج نیروهای عملیاتی بین‌المللی در ۳۱ دسمبر پایان می‌یابد و پس از آن نیروهای امنیتی بومی رسماً تمام عملیات‌ها را عهده‌دار می‌شوند.

در همین حال کارل آکه روگه، رئیس هیات پولیس اتحادیه اروپا در افغانستان گفت، در جریان عملیات‌های امسال علیه طالبان، حدود پنج هزار

نقش احمدشاه مسعود در...

و ساده زیستی از حواریون خود فرق نمی‌شد. پروفیسور اولیوه راه، در کتاب خود، افغانستان-اسلام و نوگرایی سیاسی می‌نویسد: شکست هفتگانه رژیم در پنجشیر از مسعود رهبر افسانه‌ی ساخت، اعتبار شخصی وی همرا با کارایی و سازمان‌دهی نظامی‌اش بسیاری را متقاعد ساخت که به سوی او بشتابند.

سلفاتور لمباردو، ایتالوی، در کتاب «Letters a Massoud» می‌نویسد: در این قرن گذشته (میان دو قرن ۲۰ و ۲۱) مسعود آخرین مبارز راه آزادی، ابتدا در مقابل قشون سرخ و سپس در برابر

یورش ۳۳۳ و معمای قتل...

اعضای خانواده‌اش به سر می‌برد گفت چرا شلیک می‌کنید، امین این‌جاست. او به این تصور بود که شلیک نیروهای شوروی در داخل کاخ که وظیفه حمایت و حفاظت از جان پدرش را به دوش داشتند، به امین صدمه می‌رساند. دختر حفیظ‌الله امین نمی‌دانست که نیروهای شوروی موظف هستند پدرش را بکشند. همسر امین می‌گوید: «تا وقتی که مهمات داشتیم، هیچ‌کس نتوانست وارد کاخ شود. عده زیادی از مهاجمین کشته شدند. ما نمی‌دانستیم که روس‌ها هستند. وقتی مهمات ما تمام شد، آن‌ها داخل کاخ شدند. به محض داخل شدن، با مسلسل به چهار طرف شلیک کردند. در اثر این شلیک‌ها به

هنگامی که در سال ۲۰۱۱ میلادی تعداد نیروهای خارجی به اوج خود رسید، حدود ۱۳۰ هزار نیرو از ۵۰ کشور عضو ائتلاف نظامی ناتو در افغانستان حضور داشتند.

باراک اوباما، رئیس‌جمهوری امریکا در سخنرانی روز کریسمس خود گفت: در چند روز آتی مأموریت نظامی ما در افغانستان پایان خواهد یافت. طولانی‌ترین جنگ ما به یک پایان مطمئن ختم می‌شود.

مراسم امروز واگذاری نهایی مسوولیت برقراری امنیت به ۳۵۰ هزار نیروی بومی را تکمیل می‌کند. نیروهای داخلی از اواسط سال گذشته میلادی مسوولیت امنیت کشور را به عهده دارند.

برخی از مقام‌های بلندپایه حکومت افغانستان، خروج نیروهای ناتو را شتاب‌زده و پیش از وقت خوانده‌اند. داکتر عبدالله عبدالله رییس اجرایی دولت وحدت ملی، اخیراً گفت که خروج ناتو از کشور عجولانه است.

شماری از تحلیلگران نظامی نیز معتقد استند که ناتو مأموریت خود را در افغانستان نیمه‌تمام گذاشته است. هم اکنون طالبان به گونه منظم به حملات شان علیه مردم و نیروهای امنیتی کشور ادامه می‌دهند و روز به روز تقویت می‌شوند.

امنیتی سال دشواری را در پیش رو دارند. حبیبه دانش، یکی از نماینده‌گان مجلس گفت: «افغانستان توانایی این را که مستقیماً در برابر مخالفین بجنگد ندارد، به دلیل این که ما ظرفیت داریم ولی تجهیزات نداریم و نداشتن تجهیزات ما را دچار ناکامی می‌کند، متأسفانه.»

اما امیدواری‌هایی وجود دارد در سال آینده نیز شماری از نیروی ناتو در افغانستان باقی خواهند ماند. از سوی دیگر براساس موافقتنامه‌های امنیتی در صورت درخواست افغانستان، نیروهای ناتو می‌توانند در مأموریت‌های مبارزه با تروریسم سهم بگیرند.

افغانستان است و مساله اینجاست که آنها می‌خواهند چگونه مسوولیت‌ها را برای مقابله با طالبان و سایر گروه‌های شبه‌نظامی تقسیم کنند. این باید وظیفه ارتش ملی افغانستان باشد نه پولیس. هم‌اکنون این وظیفه بر دوش پولیس است.

جنرال جوزف اندرسون، فرمانده عملیات رزمی ناتو ماه پیش گفت: تلفات نیروهای افغان بی‌ثباتی به بار می‌آورد.

می‌نویسد: برای مدت ده سال، منظم‌ترین و موثرترین جنگ‌های گریلابی را علیه اراده آهنین قشون سرخ شوروی رهبری کرد و متصل آن مقاومت قهرمانانه‌ی را در مقابل نیروهای طالبانی برپا نمود.

احمدشاه فرزاد تاریخ نگار و محقق افغانی در کتاب مرد استوار و امیدوار به افق‌های دور می‌نویسد: وقتی از احمدشاه مسعود پرسیدم، تا کی می‌جنگید؟ بلا فاصله با چهره مصمم گفت: تا رسیدن به قله آزادی، تارسیدن به یک کشور آزاد و آباد، تا رسیدن به یک صلح پایدار و افغانستان یکپارچه و متحد.

به یاور خود دستور داد به مشاورین نظامی شوروی زنگ بزند و آنان را خبر کند که به کاخ حمله شده است. و آن‌گاه گفت که شوروی‌ها کمک می‌کنند. یاور به امین گفت این شوروی‌ها اند که آتش‌باری می‌کنند. امین سخنان، دبیرکل (امین) را از خود بی‌خود ساخت، خاکستردانی سیکار را گرفته به سوی یاور پراند و به خشم فریاد زد: «دروغ می‌گویی، این امکان ندارد.» پس خود کوشید با رییس ستاد کل و فرمانده قوای چهارم زره‌دار تماس بگیرد. مگر ارتباطات قطع بود، پس از آن به آهسته‌گی غریب: «دیگر دانستم درست است.»

نیروهای شوروی جسد امین را در قالینی پیچاندند و در زمین‌های بیرون از کاخ مدفون کردند.

جهان‌نوو ضرورت...

از مصلحت‌سنجی‌هایی بود که عصر امپراتوری‌ها آن را ایجاب می‌کرد و موضوعی مستند به قرآن یا سنت نبود که ما آن را بخشی از دین تلقی کنیم و مخالفت با آن را جایز نشماریم. اما این‌که راشد غنوشی مسلمان بودن را شرط بهره‌مند شدن از حقوق کامل شهروندی می‌داند ادعایی‌ست بی‌بنیاد، علاوه برآن‌که با مفهوم عدالت اسلامی که به گونه مساویانه شامل مسلمان و نامسلمان می‌شود سازگاری ندارد، طوری که کلام مجید می‌فرماید: «و امرت لأعدل بینکم، الله ربنا و ربکم، لنا أعمالنا و لکم أعمالکم.» (سوره شوری، آیه ۱۵)

قربانیان تبعیض مدافعان تبعیض

این سه نمونه از سخنان نظریه‌پردازان اسلامی در دوره معاصر، این موضوع را ثابت می‌کند که در فقه سیاسی ما پاره‌یی از گره‌های کور وجود دارد که باید هرچه زودتر گشوده شود و گرنه راه آینده ما هموار نخواهد بود. چیزی که ما را در این مورد امیدوار می‌سازد این‌است که می‌بینیم در گوشه و کنار، اتفاق‌های خوشایندی در این زمینه در حال رونما شدن است.

برای مثال، راشد غنوشی از آن دیدگاهی که در کتاب «آزادی‌های عمومی در دولت اسلامی» در دهه هشتاد میلادی طرح کرده بود، رجوع کرده و اکنون به جد معتقد به برابری کامل سیاسی میان مسلمان و غیرمسلمان است. همچنین شیخ قرضوای، اشکالی در نامزد شدن قبلی / مسیحی برای احراز ریاست جمهوری در مصر نمی‌بیند (آن‌گونه که فهمی هویدی در روزنامه «الشرق‌الواسط» از او نقل قول می‌آورد) و نیز قرضوای برعهده گرفتن ریاست دولت را توسط زن پذیرفته است. همچنین دکتر محمد عماره معتقد است که «می‌شود درباره قرار گرفتن زن یا شخص غیرمسلمان در رأس دولت هم اندیشید» نظر به این‌که نوع دولت‌های قدیم با دولت‌های مدرن از بیخ متفاوت است.

البته این تغییر نگرش‌های نیم‌بند در فقه سیاسی ما باید با خود اتفاق‌های دیگر را به همراه داشته باشد و در همین‌جا متوقف نماند و بیشتر از پیش نهادینه شود. این کار به افرادی نیازمند است که نه از عوام در دل هراسی راه دهند و نه خشم و برآشفته‌گی فقیهان کهنه‌اندیش را به چیزی بگیرند. افرادی که در برابر جریان مسلط مقاومت می‌کنند، باید قویاً به این باور باشند که گوهر اسلام عبارت است از برپا داشتن عدالت، و دین‌داری صادقانه که بر مبنای آزادی فردی استوار است نه بر بنیاد سبطه و خشونت دولت.

البته این به این معنا نخواهد بود که ما بیاییم برای گشودن گره مشکلات سیاسی‌مان به دامن سکولاریسم غربی پناه ببریم، بلکه ما می‌باید در زمینه استقرار دولت مدنی با مرجعیت اسلامی بکوشیم. مسلماً جایگزین ساختن قوانین غربی به جای قانون شرع در کشورهای ما بدون سرکوب کردن اکثریت مردمی که مخالف این‌گونه قوانین‌اند، امکان‌پذیر نیست. ما وقتی مورد ظلم و ستم قرار دادن و اجحاف در حق اقلیت‌های دینی را نمی‌پذیریم، پس چه‌طور می‌توانیم نسبت به سرکوبی اکثریت مسلمان و سلب حقوق و آزادی‌های آنان بی‌اعتنا باشیم. ولی موضوع این‌است که ما وقتی از «مرجعیت اسلامی» سخن می‌زنیم، می‌باید میان وحی و تاریخ تفاوت قایل شویم تا بدین‌گونه اسلام به عنوان منبعی الهی برای برقراری مساوات و نیک‌خواهی و عدالت میان مردم استفاده شود. ولی این‌که بیاییم خود را اسیر نمونه‌های روزگار سپری‌شده بسازیم و بخواهیم جهان را بر بنیاد معیارهای جهان قدیم بنا کنیم، هرگز نخواهیم توانست عدالت و مساوات و برابری را برقرار کنیم اگرچه بسیار تلاش کنیم و قربانی بدهیم.

قرآن کریم به‌روشنی به ما اعلام می‌کند که هدف اصلی همه پیامبران و رسالت‌های الهی، برقراری عدالت بوده است: «لقد أرسلنا رسلنا بالقرسط و أنزلنا معهم الكتاب و المیزان لیقوم الناس بالقرسط» (سوره حدید، آیه ۲۵). عدالت و دادگری، ارزش مطلق و قانونی ازلی‌ست که اختلاف در عقاید یا وطن یا نژاد به آن آسیبی نمی‌رساند، طوری که ابن تیمیه به روشنی نوشته است که: «عدالت در حق همه آدم‌ها بر همه آدمی‌زاده‌گان در هر حالتی واجب است، و ستم به طور مطلق در هر حالتی حرام است و هرگز روا نخواهد شد.» (منهاج السنه، جلد پنجم، ص ۱۲۶)

ما شدیداً گرفتار تناقض اخلاقی و منطقی در موضع‌گیری متهم خواهیم بود اگر در عین حالی که مردم را به سوی دولتی که در سایه آن عدالت و مساوات و آزادی تأمین می‌شود فرا بخوانیم اما آن‌هایی را که از نظر اعتقاد یا نژاد یا کشور با ما مخالف‌اند، از این ارزش‌ها محروم نگه داریم. استاد فهمی هویدی این رفتار پارادوکسیکال برخی از اسلام‌گرایان را این‌گونه بیان می‌کند: «اخوان‌المسلمین در برنامه‌های سیاسی‌بی که طرح کرده‌اند، هم‌زمان با این‌که مظلوم واقع شده‌اند، ظالم هم هستند.» تا کی ما باید هم قربانیان ستم و تبعیض باشیم و هم در عین حال، مروج و مبلغ ستم و تبعیض؟

دروازی‌ها در انتظار دروازه‌های باز

جسور مدد



بدخشان ولایت علم و فرهنگ در شمال شرق افغانستان است که با داشتن منابع طبیعی این ولایت را استان لعل و جواهر یاد می‌کنند. فیض آباد مرکز ولایت بدخشان است، جغرافیای بدخشان به گونه دنباله‌ی و کوه‌های بلند آسمان خراش دارد. بدخشان ۲۸ ولسوالی دارد و این نشان می‌دهد شهروندان این ولایت به گونه پراکنده و دسته‌دسته زنده‌گی می‌کنند که این سبب شده است تا مردم به گونه‌های مختلف و شیوه‌های دیرینه به حیات خود ادامه داده و از ارزش‌ها و باورهای متفاوت برخوردار باشند.

لهجه یک دهکده با دهکده دیگر تفاوت دارد و لفظ یک محل در محل دیگر بیگانه می‌نماید که به ساده‌گی نمی‌توان اهالی بدخشان زمین را با هم شباهت داد. واخان، شغنان، اشکاشم، راغستان، پامیر و دروازه‌ها از دور دست‌ترین شهرستان‌های این استان به شمار می‌رود.



منطقه بی پُرخم و پیچ است؛ راه دراز و نفس‌گیر و طاقت فرسا دارد؛ به هر طرف که نگاه ببیندازی کوه‌های آسمان خراش، دریاچه‌های و دره‌های باهم چسبیده به چشم می‌خورد. دروازه‌هایی که هم صبر می‌گیرد و هم لب‌خند شادی هدیه می‌دهد؛ روستایی که به تو یاد می‌دهد چگونه مبارز باشی و در برابر بی‌عدالتی‌های طبیعت مقابله کنی. اما، مکان پُردرد سر، از این که سخنم به دروازه‌ها نرود و از پُروایی جلوگیری کنم و هم بتوانم خوب‌تر و روشن‌تر بالای دروازه‌ها نگاهی ببینم؛ داستان سفری را که خودم به این شهرستان داشتم باشما شریک می‌سازم.

مدت دو روز در انتظار بودم تا این که مسافری پیدا شود، بالاخره پس از دوروز تمام، سواری موترمان مکمل شد، دست دعا بلند کردیم تا فال نیک از این سفر برای خود داشته باشیم. اما دلم هیچ آرام نمی‌گرفت چون شنیده بودم که: رفتن به دروازه‌ها دل را به سنگ‌ها و کوه‌ها زدن و صبر و توان بیش از حد می‌خواهد.

در هراس بودم که نشود این آخرین دم از نفس‌های باقی مانده زنده‌گیم باشد، در هراس ساعت یک‌بار موترمان از حرکت باز می‌ماند؛ راننده شجاع بود و باهم جاهل این خیلی برابم اهمیت نداشت، اما تحمل و بردباری مرا انگیزه می‌داد، هوا، آهسته آهسته تاریک شد، شب فرارسیدموقعی رسید که موتر باید توقف کند و ما به‌جایی که باید شب رادر آن روز کنیم برویم.

باهم سفرهایم داخل آن کافی/هوتل شدیم، مانده، بی‌انرژی و ناتوان شده بودم خواستم یک نفس عمیق

می‌رود.

ج: بحران‌های نو برای فردا

– اهالی دروازه‌ها از بحران مالی رنج می‌برند که این مورد سبب شده است تا مردم از وسایل نقلی به دلیل گزاف بودن کرایه کمتر استفاده کنند.

– موقیعت دروازه‌ها به گونه‌ی بی‌ست که در فصل سرما راه‌ها و سرک‌ها به روی ترافیک مسدود شده و اهالی دروازه نشین به درستی نمی‌توانند از این دست‌آوردها به‌خوبی استفاده کنند.

– پیش از این اشاره کردیم که پُل ارتباطی بین دو درواز- افغانستان و تاجیکستان- وجود دارد، اما دشوار بودن اخذ ویزه تاجیکستان و هزینه گران این یاری را برای مردم نمی‌کند تا از راه تاجیکستان به رفت آمد خود برای حل مشکلات شان ادامه دهند.

مردم بی چاره و فقیر مجبور اند با پای پیاده این راه‌طی کنند و برای حل مشکلات شان ۶ روز تا ۷ روز را قدم بزنند.

خوش‌بختانه ما به یک کشور هم زبان و هم فرهنگ تاجیکستان- هم مرز هستیم که این هم فرهنگی و هم دلی نقش بازرشی برای روابط اجتماعی و همکاری‌های اقتصادی، امنیتی و انکشاف زنده بین دو درواز می‌تواند داشته باشد.

به همین دلیل اگر توجه داشته باشیم فرق بین دروازی تاجیکستانی و دروازی افغانستانی کم دیده می‌شود و همه سهولت‌های دروازمین افغانستان سهولت‌هایی است که تاجیکستان برای مردم دروازه‌های خود فراهم ساخته است.

مثلا اهالی دروازه‌ها هم از تاجکی و هم از افغانستانی از شبکه‌های مخابراتی Ltc و بلیون کار می‌گیرند که مال تاجیکستان است. از برق تاجیکستان استفاده می‌کنند، از یک آب می‌خورند زیرا برای دروازی‌های افغانستان از درواز تاجیکستان آب آشامیدنی فراهم ساخته شده است.

مردم رنج‌دیده دروازه‌ها با همه این مشکلات و چالش‌های دیرینه که با آن مبارزه می‌کنند اما چشم امید به سوی دولت وحدت ملی دوخته تا دواپی برای درد دیرینه این مردم یابند.

دیده شود که دوازۀ دولت وحدت ملی چه وقت به‌سوی دروازه‌ها گشوده می‌شود تا خدماتی را برای دروازی‌ها انجام دهند.

ب: دست‌آوردهای امروز

– ساخت و ساز سرک‌ها و پل‌چک‌ها که راه را برای وسایل نقلیه برای مدت زمان کوتاه هموار ساخته است که این زمینه برای کارایی بعضی از باشندگان دروازی ایجاد کرده و می‌کند.

– ساختن یک دستگاه‌های بزرگ و پیشرفته برق از کشور دوست تاجیکستان برای اهالی روستانشین دروازه‌ها که این فرصت می‌تواند برای بهبود زنده‌گی مردم درواز موثر باشد.

– ایجاد ۵ پل ارتباطی بین افغانستان و تاجیکستان در شهرستان دروازه‌ها؛ این پل‌ها می‌تواند زمینه را برای فروش کالاهای محلی میوه و صنایع محلی در بازار مشترک بین این منطقه فراهم سازد و شهروندان افغانستانی به ساده‌گی می‌توانند از بازارهای تاجیکستان کالاهای مورد نیازشان را به نرخ مناسب و ارزان‌تر بدست بیاورند.

– فراهم ساختن پروژه‌های آبیاری و مال‌داری برای انکشاف سطح زنده‌گی مردم؛ این پروژه توسط شبکه انکشافی آغاخان در دروازه‌ها تکمیل شده که فرصت‌های کاری را ایجاد کرده است.

– از یاد مکان‌های علمی و مدارس دینی و مذهبی، ساخت جماعت‌خانه‌هایی در مناطق اسماعیلیه نشین دروازه‌ها از دست‌آوردهای سال‌های پسین به‌شمار

بگیرم؛ زمان کوتاهی نگذشته بود که لشکریاز «پشه‌ها» جلو چشم‌ها و صورتم را گرفت- فضا آن قدر کثیف بود که هر قدر کوشش کردم تا از داشته‌هایش استفاده کنم، اما بوی گند کفایتین فرصت را از من گرفت. خُلقم خیلی تنگ شد و غم و اندوه این که شب را چگونه سپری کنم زیادتر شد.

روز دوم با چنین وضعیت و از سرک‌های ناپاک‌رزنده بدرآمدیم. پس از شش روز مسافرت از کابل تا درواز با فراز و نشیب‌های وحشت‌ناک و باتنگ‌ناک بین مرگ و حیات به منزل رسیدم؛ که این همه نا بسامانی‌ها و چالش‌ها برای من و سایر یاران و هم‌قطارانم سخت طاقت فرسا تمام شد. دوری راه‌ها و مشکلات دیگر باعث شده است تا دانشجویان دروازی زمان دیر یازخانه و فامیل شان فاصله بگیرند.

در یک چشم‌اندازی توان چالش‌های دیروز، دست‌آوردهای امروز و بحران‌های فردا دروازی‌ها را این گونه بررسی کرد:

الف: چالش‌های دیروز
– نبود سرک‌ها و راه‌روها؛
– نبود برق و سایر سهولت‌های اولیه زنده‌گی؛
– نبود فرصت‌های شغلی؛
– نبود بازارهای مناسب برای فروشات میوه غله مردمان درواز؛



سوارز بارسلونا را ترک می‌کند



محروریت سنگینی اعمال شد و در همان زمان هم راهی بارسلونا با مبلغ ۷۹ میلیون پوند پیوست و تا سال ۲۰۱۹ نیز با این باشگاه قرارداد بست. اما وی که این روزها در پست همیشه‌گی در بارسلونا بازی نمی‌کند نتوانسته مانند حضورش در لیورپول گل به ثمر رساند.

مسئله‌ای که رود گولیت بازیکن افسانه تیم ملی هلند نیز به آن اشاره می‌کند و می‌گوید: واقعا برای من شگفت آور بود وقتی که لوئیس سوارز آنفیلد را به مقصد نیوکمپ ترک کرد، اما با شرایطی که وجود دارد فکر نمی‌کنم او مدت طولانی در این باشگاه باقی بماند و حتم دارم که او به زودی بارسا را ترک می‌کند.

انتظار می‌رود که مهاجم یورگویی‌های باشگاه بارسلونا این تیم را به زودی ترک کند.

لوئیس سوارز بازیکن باشگاه بارسلونا که فصل پیش علی رغم محرومیت ۱۰ جلسه‌ای در لیگ برتر جزیره به دلیل توهین زنازی، بازگشت درخشانی برای لیورپولی داشت و توانست این تیم را تا حد یک مدعی واقعی در لیگ برتر جزیره پیش ببرد به شکلی که لیورپول در پایان فصل با اختلاف میلی متری با منچستر سیتی جام قهرمانی را از دست داد و نایب قهرمان شد، مضاف بر اینکه سوارز نیز به آقای گل تبدیل شد.

وی پس از تجربه تلخ در جام جهانی و گاز گرفتن شانه جرجیا کیلینی با

نویر، رونالدو و مسی را

پشت سر گذاشت

معتبرترین رسانه خبری فرانسه پس از اعلام برترین ورزشکار جهان این بار برترین فوتبالیست سال ۲۰۱۴ را انتخاب کرد.

به نقل از L'Equipe، مانوئل نویر بهترین دروازه بان جهان پس از انتخاب به عنوان دومین ورزشکار برتر سال ۲۰۱۴، اکنون عنوان برترین فوتبالیست سال ۲۰۱۴ را از آن خود کرد. اکیپ فرانسه ۱۰۰ فوتبالیست برتر سال ۲۰۱۴ را انتخاب کرد که در این رده بندی نویر در صدر است، رونالدو و مسی به ترتیب در مکان دوم و سوم قرار گرفتند. آرتین روبین وینگر هلندی بایرن مونیخ هم در جایگاه چهارم قرار گرفت و هم تیمی او یعنی فیلیپ لام پنجم شد. گفتنی است، اکیپ اخیرا بهترین ورزشکاران سال ۲۰۱۴ را انتخاب کرده بود و نویر پس از ریناود لاویلنی قهرمان برش با نیزه ی جهان در مکان دوم قرار گرفت.



زنده‌شدن دوباره اختلاف آگری و پیرلو

یوونتوس در خط میانی از آرتور ویدال و آندره آ پیرلو استفاده می‌کند. به نظر می‌رسد که این دو بازیکن انتظارات آگری را برآورده نکرده اند. ویدال که بازی‌های زیادی را به خاطر آسیب دیدگی از دست داد و این روزها شرایط خوبی ندارد اما پیرلو در این فصل هم یکی از بهترین بازیکنان یوونتوس بوده است. او بازی‌های بسیار خوبی را برای این تیم به نمایش گذاشته و در چند بازی در دقایق پایانی یوونتوس را نجات داد اما به نظر می‌رسد که اختلاف آگری با پیرلو دوباره در حال زنده شدن است.



پیرلو قبل از آگری بهترین بازی‌ها را برای میلان به نمایش می‌گذاشت اما با آمدن آگری به این تیم نیمکت‌نشین شد و به همین خاطر تصمیم گرفت که میلان را ترک کند و به یوونتوس برود. او در یوونتوس به روزهای اوج خود برگشت و به همه ثابت کرد که میلان و آگری درباره او اشتباه کردند. الان که آگری به میلان آمده دوباره شایعه اختلاف او با پیرلو زنده شده است و جذب شکیری هم می‌تواند هشدار به این بازیکن باتجربه باشد.

شکیری ۲۳ ساله بازیکن بایرن مونیخ است. او تا سال ۲۰۱۶ با این تیم آلمانی قرارداد دارد اما کمتر در تیم گواردیولا به بازی گرفته می‌شود و پیش از این اعلام کرد که نمی‌خواهد قراردادش را با بایرن تمدید کند تا جدایی او از این تیم تا حدود زیادی قطعی باشد.

سرمربی یوونتوس به دنبال جذب هافبک سوئیس بایرن مونیخ است. به نظر می‌رسد که او دوباره می‌خواهد اختلاف خود با پیرلو را علنی و این بازیکن را در بهترین دوران خود نیمکت‌نشین کند.

ماسیمیلیانو آگری، سرمربی یوونتوس در گفت‌وگویی که با شبکه «توتو اسپورت» ایتالیا داشت از علاقه خود برای جذب زردان شکیری، هافبک بایرن مونیخ خبر داد.

او گفت: یوونتوس در خط میانی به جذب بازیکن نیاز دارد و شکیری یکی از گزینه‌های ماست و احتمال دارد که او را در فصل جابه‌جایی زمستانی جذب کنیم.

Mandegar

یورش ۲۲۲ و معمای قتل حفیظ الله امین

اکرام اندیشمند

سحرگاه ششم جدی ۱۳۵۸ (۲۷ دسمبر ۱۹۷۹) پنج‌هزار تن از نیروهای فرقه ۱۰۳ کماندو به وسیله صدها پرواز هوایی وارد فروگاه کابل و بگرام شدند. تا ظهر این روز، نیروهای زرهی فرقه ۱۰۸ که روز ۲۵ دسمبر با عبور از فراز آمو راه کابل را در پیش گرفته بودند، وارد حومه پایتخت شدند و با نیروهای کماندوی فرقه ۱۰۳ ارتباط برقرار ساختند. مشاورین شوروی در قطعات ارتش افغانستان، ورود این نیروها را انجام تمرینات نظامی وانمود می‌کردند. حفیظ الله امین، ظهر آن روز در کاخ تپه تاج‌بیک میزبان اعضای دفتر سیاسی حزب دموکراتیک خلق بود. امین به اعضای بیروی سیاسی گفت: «سفیر شوروی به نماینده‌گی از رهبری دولت شوروی به او اطمینان محکم داده است که دولت شوروی به قدر ویتنام به افغانستان مساعدت تخنیکی، نظامی و مالی می‌رساند و کشور ما را در مقابل دخالت و مداخله پاکستان و دیگر کشورهای منطقه تنها نمی‌گذارد.»



نیمه‌برهنه به روی زمین افتاده بود. فک و چانه‌اش آویزان شده بود و چشمانش بی‌نور و سفید چیزی را نمی‌دیدند. نشانه‌ی از هوش در وجودش دیده نمی‌شد. سرهنگ کوزنیچنکف و سرهنگ الکسی‌یف با نجات «رهبر کشور دوست» طرح‌های کی‌جی‌بی را برهم می‌زدند. و امین تا ساعت شش شام به خود آمد و با شگفت‌زده‌گی پرسید: «چرا در خانه ما چنین چیزی رخ داده است؟ چه کسی این کار را کرده است؟ تصادفی است یا کدام توطیه؟»

حفیظ‌الله امین زمانی به هوش آمد که عملیات نظامی نیروهای شوروی برای قتل او آغاز یافته بود. قوای مهاجم بعد از ظهر ششم جدی (۲۷ دسمبر) در سه قطار به سوی مرکز شهر، تپه تاج‌بیک و پلچرخنی حرکت کردند. آن‌ها نخست مرکز مخابرات را در شهر منفجر ساختند و به سوی قصر اقامت امین یورش بردند. این نیروها مؤظف بودند تا واحدهای ویژه کی‌جی‌بی را که قبلاً در کاخ تپه تاج‌بیک، دارالامان و سفارت شوروی جابه‌جا شده بودند، کمک کنند: «این جزو تانک‌ها و واحدها» هیچ تفاوتی با یک جزو تانک افغانی نداشتند. افراد آن که ملیس به یونیفورم افغانی بودند، اطراف قصر را مین‌گذاری کردند. آن‌ها سازمان‌دهی و چه‌گونه‌گی تبدیل بهره‌داری قصر امین را می‌دانستند. محافظین امین را به چهره می‌شناختند. از خصوصیات سیستم مخابراتی و تجهیزات جنگی‌شان نیز آگاه بودند. در پهلولی آن، ساختمان داخلی قصر و نقشه اتاق‌های داخل قصر را نیز می‌دانستند. قطعات مهاجم «الف» را «نیکلوی بریلیف» و «زینت» را «بویا رنیف» از افسران

کی‌جی‌بی فرمان‌دهی می‌کردند. این قطعات چند عراده ماشین جنگی و دستگاه «شلیکا» در اختیار داشتند.

هجوم به کاخ امین به نام «یورش ۲۲۲» در شامگاه ۲۷ دسمبر ۱۹۷۹ (ششم جدی ۱۳۵۸) ساعت ۶ و ۲۵ دقیقه آغاز یافت.

به نوشته مؤلف توفان در افغانستان: «برای افراد و پرسونل کندک مسلمانان توضیح داده بودند که امین به انقلاب ثورخیانت کرده و به زد و بند با «سیا» پرداخته است. راستش این توضیحات را کمتر کسی از سربازان و افسران می‌توانستند بپذیرند و از خود می‌پرسند پس چرا امین سپاهیان ما را دعوت کرده است، نه سپاهیان امریکایی را؟»

هنوز پزشکان شوروی امین را ترک نکرده بودند که آتش نیروهای شوروی کاخ را لرزه آورد.

درحالی که امین و خانواده‌اش در اتاق‌های داخل کاخ نمیدانستند که مهاجمین چه کسانی هستند، نیروهای گارد محافظ او در محوطه و اطراف قصر با قوای شوروی به نبرد پرداختند. مقاومت نظامیان گارد امین به‌زودی درهم شکست و مهاجمین داخل ساختمان اصلی کاخ گردیدند.

یکی از نکات شگفت‌انگیز در داستان قتل حفیظ‌الله امین توسط نیروهای شوروی، باور و اعتماد عمیق امین در آخرین دقائق عمرش به شوروی بود. درحالی که محل اقامت و کار امین در کاخ تپه تاج‌بیک مورد هجوم و آتش نیروهای شوروی قرار گرفت، حفیظ‌الله امین اطلاع جاناندا قوماندان گارد محافظ قصر خود را که آتشباری از طرف روس‌هاست، نپذیرفت. خانم امین سال‌ها بعد در مصاحبه با رادیو بی‌بی‌سی گفت: «امین صاحب به جاناندا قوماندان گارد گفت ببین که فیر (شلیک) می‌کند؟ جاناندا معلومات گرفت و آمد به امین صاحب گفت: این طور معلوم می‌شود که فیر از طرف روس‌ها باشد. اما امین صاحب گفت: نه!»

امین حتا تا آخرین لحظات حیاتش سخنی از بی‌اعتمادی و سوءظن در مورد شوروی به خانواده خود نگفته بود. زیرا خانم امین و فرزندانش نیز باور نداشتند که حمله در آن شامگاه ۲۷ دسمبر به کاخ اقامت امین از سوی نیروهای شوروی باشد. آن‌ها گمان می‌کردند که نیروهای شوروی در دفاع از امین با کسانی می‌جنگند که به قصر یورش آورده‌اند. از این‌رو دختر امین به نظامیان شوروی که وارد اتاقی شدند که او با پدر و...

ادامه صفحه ۶

دبیرکل ناتو:
چالش‌های زیادی در افغانستان
همچنان باقی است



دبیرکل ناتو روز یکشنبه ضمن اعلام اینکه در تاریخ ۳۱ دسمبر ناتو ماموریت جنگی خود را در افغانستان تکمیل خواهد کرد، گفت که چالش‌های زیادی همچنان در افغانستان باقی است و هنوز نیز لازم است اقدامات بیشتری در این کشور انجام شود.

ینس استولتنبرگ دبیرکل ناتو در بیانیه‌ی اعلام کرد: صفحه جدیدی در روابط این سازمان با افغانستان باز می‌شود. امنیت افغانستان به طور کامل در دستان ۳۵۰ هزار سرباز و پولیس افغانستان قرار خواهد گرفت اما هم پیمانان ناتو با همکاری بسیاری از کشورهای شریک دیگر به روند آموزش و اریه کمک‌ها و توصیه‌ها به نیروهای امنیتی افغان ادامه خواهد داد.

وی در ادامه خاطر نشان کرد: چالش‌های بسیاری همچنان در افغانستان وجود دارند اما هنوز باید اقدامات بیشتری انجام شود. نیروهای امنیتی افغانستان همچنان به کمک‌های ما برای گذراندن روند توسعه خود نیاز دارند. در ماموریت جدید ما حدود ۱۲ هزار عضو از کشورهای ناتو و ۱۴ کشور شریک ناتو حضور خواهند داشت.

استولتنبرگ در ادامه تصریح کرد: ما همچنان به تامین بودجه نیروهای امنیتی افغان ادامه می‌دهیم.

Mandegar

Mandegar Daily News paper
روزنامه صبح افغانستان

ماندگار

به اطلاع عموم خواننده گان و علاقه‌مندان روزنامه ماندگار رسانیده می‌شود که با آغاز سال نو میلادی، توزیع رایگان این روزنامه پایان می‌یابد. بنابراین از کلیه اشخاص، نهادها و اداراتی که هم‌چنان علاقه‌مند این رسانه نوشتاری هستند، درخواست می‌شود که به اداره روزنامه ماندگار مراجعه و فرم اشتراک دریافت کنند تا از این پس این روزنامه را درب منزل یا دفتر کاری خویش تحویل بگیرند.

روزنامه ماندگار بازرگانی و تبلیغاتی شما را می‌پذیرد					
تک صفحه اول	تک صفحه آخر	تک صفحه داخلی	تک صفحه داخلی	تک صفحه داخلی	تک صفحه داخلی
350\$	500\$	250\$	150\$	400\$	200\$
ربع صفحه داخلی	نصف صفحه داخلی	صفحه داخلی	صفحه داخلی	صفحه داخلی	صفحه داخلی
100\$	200\$	400\$	150\$	250\$	400\$

برای نشر اعلانات تان به این شماره‌ها تماس بگیرید: ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - ۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰

روزنامه ماندگار برای سال آینده میلادی و خورشیدی مشترک می‌پذیرد		
پسرای دفاتر	دفاتر خارجی	برای دانشجویان و اساتید دانشگاه
یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی	یک ساله - ۴۰۰۰ دلار	یک ساله - ۳۰۰۰ افغانی

حساب بنگر روزنامه ماندگار در موند بانک: Mandegar daily Bank Account in Mawand- Bank: 1001201077988
برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - ۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰